

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره توطئه جدید علیه توده‌ای‌ها در بند

صفحه ۲

## ”جرم“ توده‌ای‌ها: نفوذ در قلب مردم، نشر اندیشه و فرهنگ مترقی

قربانیان سفاکیت جمهوری اسلامی بر بام جهان نواخته می‌شود. اکنون دیگر، این تنها سازمان‌ها، احزاب، جمعیت‌ها و شخصیت‌های مترقی و دمکرات جهان نیستند که رژیم جمهوری اسلامی را به واسطه اعمال شکنجه و رفتار بربرمنشانه با زندانیان سیاسی در بند محکوم می‌کنند و با اعلام آمادگی نمایندگان خود به حضور در شکنجه‌گاه‌ها و پیدادگاه‌ها و بازدید از اسرای اوزین و زندان‌های دیگر رژیم، بررسی وضع آنان را از نزدیک می‌طلبند و سران حاکمیت را در برابر پرستی به حق و انسان‌دوستانه در باره چگونگی اعمال شکنجه‌های روحی و جسمی بر

قربانیان سفاکیت جمهوری اسلامی قرار می‌دهند. این پرسش رسوا کننده که تا کنون، تنها با پرت و پلاگویی و در بهترین حالت تناقض‌گویی مسئولان پاسخ داده شده، اینک از جانب دیگران نیز مطرح می‌شود. حتی از سوی ”میهمانان خارجی شرکت کننده در کنفره جهانی ائمه جمعه“ که مأموران رژیم، خود آنان را ”برگزیده“ و دعوت کرده‌اند. رییس دیوان عالی کشور در این ”کنفره“ که هفته گذشته برپا شد، در باره چگونگی اعمال شکنجه در رژیم جمهوری اسلامی گفت:

بقیه در صفحه ۶

# راه توده

شهره‌مداران حیثیت‌دینان در خلیج فارس

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ مطابق

۲۱ - شماره ۱۹۸۸

سال دوم، شماره ۹۲

پهنا: ۱۰ سانتی‌متر

## رفیق علی خاوری: حزب را به صلابه کشیده‌اند تا انقلاب را متلاشی سازند

صفحه ۸

## وزیر ”نمونه“ امپریالیسم!

سردمداران رژیم از اجرای توطئه تبلیغاتی ”دهقان نمونه“ چه هدفی دارند؟!

پیروزی در جنگ و خودکفایی در کشاورزی اعلام کرد. به دنبال آن، مقامات مسئول و غیرمسئول و ائمه جمعه و جماعات! به نصیحت کشاورزان پرداختند و آنان را از زیاده خواهی! برحذر داشتند. کاندیداهای، با استفاده از فرصت در

بقیه در صفحه ۵

هم‌زمان با تشدید مضرّات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... در میهن ما، روند تقلیل تولیدات کشاورزی و تعمیق وابستگی ایران به کشورهای امپریالیستی و اعمار آنها از نظر مواد غذایی، ادامه می‌یابد.

خامنه‌ای در پیام نوروزی خود، سال ۶۳ را سال

وصیت‌نامه رفیق شهید شاهرخ جهانگیری:

اینجا سرزمین ”روزبه“ هاست؛ میهن ”کیوان“

صفحه ۷

همبستگی پرشور ”اتحادیه ملی

دانشجویان فرانسه“ با توده‌ای‌های در بند

صفحه ۲

## ناامنی در خلیج فارس: گامی دیگر در باقلاق جنگ توسعه طلبانه

در هفته گذشته، هفت کشتی نفت کش که از بنادر خلیج فارس پارگیری کرده بودند، در این منطقه هدف هواپیماهای جنگی قرار گرفتند. در حالی که عراق از ماه‌ها پیش مسئولیت حملات متعدد به نفت کش‌هایی که در بندر خاارک رفت و آمد می‌کنند به عهده گرفته، سران جمهوری اسلامی با اظهاراتی از طراز آنچه رییس جمهور در نماز جمعه هفته گذشته گفت و اعلامیه‌ای که وزارت خارجه ایران صادر کرد:

”ناامنی در مسیرهای نفتی ایران، به معنای ناامنی برای کلیه مسیرهای نفتی در خلیج فارس خواهد بود“ (رادیو ایران - ۲۷ اردیبهشت ۶۳)، تلویحا اتهام حمله به نفت کش‌های در حال رفت و آمد در سایر خطوط نفتی را - تا کنون سه نفتکش - پذیرفته‌اند. پی‌آمدهای این اقدامات، محدودیت صدور نفت از خلیج فارس، بهره‌برداری عظیم انحصارات نفتی از افزایش قیمت نفت ذخیره شده، سودی که موسسات بزرگ بیمه از توسعه منطقه جنگی در خلیج فارس می‌برند و مهم‌تر از همه بهره‌برداری همه جانبه امپریالیسم آمریکا در جهت تثبیت حضور نظامی خود در خلیج فارس و پیشروی بیشتر در راه تأمین

بقیه در صفحه ۳۴

تأمین

# پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره توطئه جدید علیه توده‌ای‌ها در بند

می‌دارد که احسان طبری را برای آنکه نگیرد در بیمارستان نگهداشته‌اند، آیا این اعتراف و در عین حال جلوگیری از دیدن نزدیکانش با از او واقفیت هولناک دیگری حکایت نمی‌کند و قرینه‌ای نیست از آنچه بر او و امثال او در شکنجه‌گاه‌های جمهوری اسلامی می‌گذرد؟

آری، واقفیت هولناکی در پشت سر اعتراف تکان دهنده رییس مجلس شورای اسلامی در مورد انتقال احسان طبری به بیمارستان نهفت است. اکنون برای همگان چه در داخل و چه در خارج از کشور روشن است که این دژخیمان مأمور شده، جریان شکنجه مراقب حال زندانیان باشند تا به محض اینکه شکنجه شونده به مرز مرگ رسید دستور قطع شکنجه را بدهند و او را برای صحنه‌سازی مورد نظر سداوا کنند.

آنها که احسان طبری را می‌شناسند، نوشته‌هایش را خوانده‌اند و با منطقتش آشنایند می‌دانند که او نمی‌تواند مبلغ و مدافع ترمایی باشد که امروز سردمداران جمهوری اسلامی به او نسبت می‌دهند. شناسنامه طبری آثار فراوان اوست نه نایش‌های تلویزیونی.

ما دستگاه قضایی جمهوری اسلامی را به خاطر کاربرد این‌گونه شیوه‌های ضد بشری محکوم می‌کنیم و از مردم آزادی‌خواه ایران و جهان می‌طلبیم به نام انسانیت برای نجات جان زنده بگوران سلول‌های زندان اوین و دیگر زندان‌ها، صدای اعتراض خود را بلند کنند و مانع اجرای توطئه وحشتناک جدیدی گردند، که محافل قضایی ایران در صدد اجرای آنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۲

به شعله‌های آتش سپرده‌اند، زدییه قاطع و شکننده‌ایست بر آنچه امروز حکام مرتجع و دانش‌ستیز در صدد اثباتش هستند.

بیش از یک سال است که احسان طبری در سیاه‌چال‌های رژیم زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارد. ذی‌ماه گذشته رییس قوه مقننه اعلام کرد که او دچار سکنه مغزی شده و به بیمارستان منتقل گردیده است. رییس مجلس شورای اسلامی که قاعدتا وظیفه‌اش پاسداری از قانون اساسی است درباره اینکه در فراموش‌خانه‌ها چه بر سر زندانیان در بند می‌آید و چگونه شکنجه‌گران با زیر پا گذاشتن اصول قانون اساسی در مورد زندانیان، وحشیانه‌ترین شکنجه‌های به عاریت گرفته شده از ساواک و سیا را اعمال می‌کنند تا زندانی دچار سکنه مغزی و عواقب ناشی از آنها گردد، مهر سکوت بر لب زد.

وقتی پاسدار قانون اساسی اظهار

فیلسوف و دانشمند مشهور ایرانی را به عنوان قربانی اهداف ضد انسانی خود برگزیده‌اند. ولی این بار نیز تبلیغات افسارگسیخته ضد شوروی و ضد کمونیستی رژیم قرین موفقیت نبود و نتوانست مردم میهن ما را که با دناست مرتجعین حاکم آشنایند فریب دهد. احسان طبری سراسر زندگی خود را صرف پژوهش درباره سوسیالیسم علمی در رابطه با دست‌آوردهای شگرف سوسیالیسم واقعا موجود در عرصه‌های مادی و معنوی کرده و کتاب‌ها و صدها مقاله در باره حقانیت و اصالت مارکسیسم - لنینیسم و تاریخ و شعر و ادب و هنر ملی به رشته تحریر کشیده است. او زندگی پربار خود را صرف خدمت به تأمین استقلال، آزادی و نجات توده‌های زحمتکش میهن ما کرده است. هر سطر از نوشته‌های او سانسورچیان ضد دانش و ضد فرهنگ جمهوری اسلامی آنها را جزء آثار ممنوعه اعلام و جمع‌آوری کرده و یا

رژیم که دچار بحران ژرف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ناشی از ادامه جنگ خائسان‌پرانداز و عدم لیاقت در اداره امور کشور است و در انتخابات دوره دوم مجلس با مخالفت توده‌ها روبرو گردیده، برای انحراف افکار عمومی از واقعیات دردناک و اسفناک کشور، توطئه وحشتزای جدیدی را زمینه می‌چیند. ارگان‌های قضایی سرگرم تهیه مقدمات محاکمه جمعی صدها نفر از اعضای حزب توده ایران‌اند و در صددند برای ایجاد ترس و وحشت در جامعه و وادار کردن مردم ناراضی به سکوت عده زیادی از توده‌ای‌های دربند را به جوخه‌های اعدام بپسرنند.

صحنه‌سازی رادیو تلویزیونی که در چند روز اخیر به یاری مأمورین ساواک در خدمت جمهوری اسلامی ترتیب داده شد، آغاز توطئه خونین جدیدیست که در حال تکوین است. اینک شکنجه‌گران احسان طبری

## بهترین تجلیل از شهدای خلق، اتحاد در راه تأمین اهداف آنان است

با خیانت رهبری جمهوری اسلامی به آرمان‌های انقلاب، مزاران توده‌ای، فدایی، مجاهد و دیگر مبارزان صادق ضد امپریالیست و طرفدار آرمان‌های انقلاب در سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی، تحت سخت‌ترین شرایط و زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. وفادار به سنت‌های پایدار خود که دفاع از تمامی زندانیان سیاسی ضد امپریالیست با گرایش‌های مسلکی، سیاسی و مذهبی متفاوت بقیه در صفحه ۶

امپریالیسم آمریکا از حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی به نفع خلق تأسیس کردند و در این راه جان برکف رزمیدند. حزب ما همان‌گونه که در زمان رژیم شاه ملعون، همواره خاطره همه شهیدان راه خلق را - صرف‌نظر از وابستگی‌های سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک آنان - گرامی داشته امروز نیز از این شهیدان به خون خفته تجلیل می‌کند و یادشان را گرامی می‌دارد.

حزب توده ایران، اکنون نیز که

۱۲ سال پیش، در سحرگاه خونین ۴ خرداد ۱۳۵۱، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع‌زادگان از بنیان‌گذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، رسول مشکین‌فام و محمود عسکری‌زاده از اعضای کادر مرکزی این سازمان به هنگام سفر نیکسون، رییس جمهور وقت آمریکا به دست دژخیمان شاه به شهادت رسیدند.

این فرزندان راستین خلق‌های ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران را با هدف طرد سطره امپریالیسم جهانی، به سرکردگی

مردم آزادی‌خواه ایران! برای نجات جان زنده بگوران سلول‌های زندان اوین و دیگر زندان‌ها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!

# همبستگی پرشور "اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه" باتوده‌های های دربند

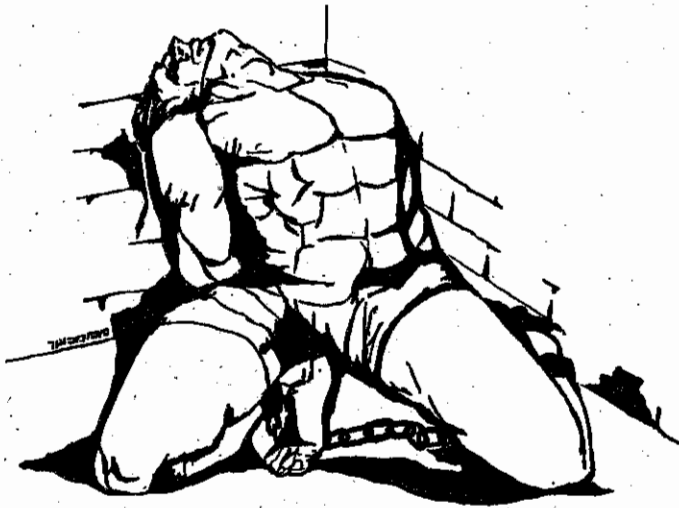
انگلستان • اتحادیه دانشجویان  
کمیونست فرانسه • اتحادیه ملی  
دانشجویان فرانسه • اتحادیه ملی  
دانشجویان ویتنام • فدراسیون  
دانشجویان اوروگوئه • اتحادیه  
ملی دانشجویان سوئیس •  
فدراسیون خانه‌های دانشجویی  
فرانسه.

● در نشریه محلی فدراسیون حزب  
کمیونست فرانسه در ایالت کوت  
دور، مقاله‌ای پیرامون رویدادهای  
اخیر ایران به چاپ رسیده که طی  
آن سیاست ترور و اختناق رژیم  
جمهوری اسلامی علیه دگراندیشان و  
مبارزان ضدامپریالیست، بررسی  
و اعمال شکنجه و کشتار این نیروها  
و به ویژه اعضای حزب توده ایران  
به شدت محکوم شده است.  
مقاله همچنین با اشاره به خطری  
که جان زندانیان سیاسی رژیم را  
تهدید می‌کند اهمیت تشدید  
همبستگی بین‌المللی را با آنان  
خاطر نشان ساخته، از  
خوانندگان نشریه درخواست کرده  
است، فریاد اعتراضی خود علیه  
این جنایات را هرچه راسر سازند.

## آلمان فدرال

مجمع عمومی دانشجویان دانشگاه  
هانوفر قطعنامه‌ای به تصویب رساند  
که در آن جنایات رژیم جمهوری  
اسلامی علیه نیروهای مترقی در  
ایران، شکنجه و آزار زندانیان و  
اعدام‌های بی‌رویه محکوم گشته  
است.

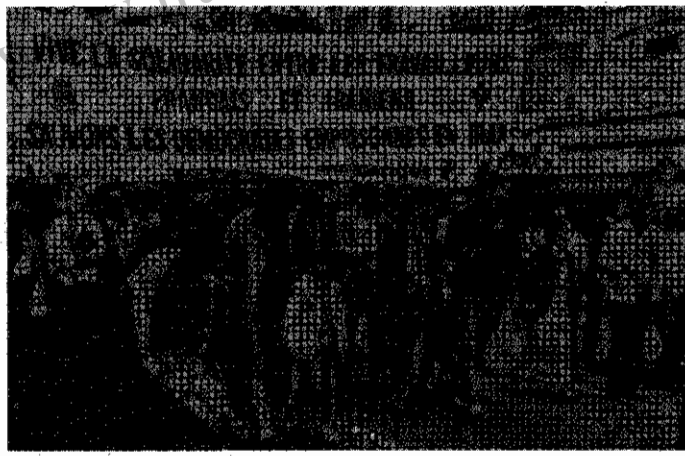
مجمع، همچنین خواسته است  
مقدمات سفر هیأتی از طرف  
سازمان ملل متحد، جهت بررسی  
وضع زندانیان سیاسی ایران فراهم  
گردد، کلیه این زندانیان آزاد شوند  
و به شکنجه آنان پایان داده شود.



فرانسه و آزادی زندانیان سیاسی  
ایران، توجه راه‌پیمایان را به خود  
جلب کردند.

روزنامه‌های محلی، از جمله هفته  
نامه پاتریوت، به درج عکس‌ها و  
شرح این راه‌پیمایی پرداختند.

در مراسم برگزاری جشن اول ماه  
مه، روز جهانی کارگر در نیس،  
هواداران حزب توده ایران و  
سازمان فداییان خلق ایران  
(اکثریت) نیز شرکت داشتند که با  
پخش تراکت و حمل شعارهایی مبنی  
بر همبستگی زحمتکشان ایران و



مراکش • سازمان جوانان آلمان  
دمکراتیک • اتحادیه دانشجویان  
آنگولا • اتحادیه سازمان‌های  
دانشجویی فنلاند • کارزار  
دانشجویان برای خلع سلاح اتمی در

شده است.  
اسامی برخی از امضاءکنندگان  
قطعنامه بدین قرار است:  
● فدراسیون دانشجویان بلژیک  
● فدراسیون ملی دانشجویان

شصت و نهمین کنگره "اتحادیه  
ملی دانشجویان فرانسه"، از تاریخ  
۲۸ آوریل تا ۲ ماه مه (هشتم تا  
دوازدهم اردیبهشت ماه جاری) در  
شهر گاردن - اکس - ماریس برگزار  
شد.

در این کنگره که بیش از ۸۰۰ تن  
از نمایندگان اتحادیه‌های  
دانشجویی و جوانان از چهار گوشه  
جهان گردآمده بودند، نمایندگان  
"سازمان جوانان و دانشجویان  
دمکرات ایران (اودیسی) نیز  
شرکت داشتند و طی پیامی به  
کنگره، پیرامون سیاست ارتجاعی  
حکومت جمهوری اسلامی در آموزش،  
از جمله اخراج دانشجویان هوادار  
انقلاب از دانشگاه‌ها و پاک‌سازی  
استادان مترقی مطالبی بیان  
داشتند. در این پیام سیاست‌های  
ضدمردمی در تمامی زمینه‌ها و جو  
خفقان و سرکوب نیروهای مدافع  
تحولات بنیانی به نفع زحمتکشان و  
به ویژه تفتیشیات رژیم علیه حزب  
توده ایران و سازمان جوانان توده  
ایران، افشا شده است.

نمایندگان شرکت‌کننده در  
کنگره، با کف زدن‌های ممتد و  
ابراز احساسات پرشور، همبستگی  
عمیق خود را با انقلابیون میهن ما  
که تحت فشار و شکنجه‌های  
وحشیانه رژیم در سیاه‌چال‌ها به سر  
می‌برند و بسیاری از آنان به دست  
دژخیمان حکومتی به شهادت  
رسیده‌اند، ابراز داشتند.

قطعنامه‌ای نیز، از جانب گروهی  
از نمایندگان به تصویب رسید که  
در آن تجاوز به حقوق بشر و اعمال  
بربرمنشانه حکومت جمهوری  
اسلامی در قبال میهن دوستان و  
برقراری سیستم تفتیش عقاید در  
سطح جامعه و به ویژه در مراکز  
آموزشی کشور محکوم گردیده،  
آزادی زندانیان سیاسی و  
خاتمه جنگ ایران و عراق خواسته

**با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان  
سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

# تهدید آمریکا در خلیج فارس

در شماره ۱۲ سال ۱۹۸۴، مجله شوروی "عصر جدید"، مقاله‌ای با عنوان "بلوف یا تهدید واقعی؟" به چاپ رسیده است. این مقاله از جهت بررسی وضع منطقه و پی‌آمدهای فاجعه برانگیز حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و عواقب ویرانگر ادامه جنگ بی‌سرانجام ایران و عراق، حاوی نقطه نظرات دقیق و مستندی است که اطلاع از آن مفید است. از این رو "راه توده" ترجمه آن را با کمی اختصار به چاپ می‌رساند.

در همسایگی ما، دو عضو جنبش عدم تعهد - ایران و عراق - که مشکلات اجتماعی - اقتصادی پیچیده و در بسیاری از موارد مشابهی دارند، درگیر جنگی خانمانسوز شده‌اند. برای ترمیم ویرانی‌های ناشی از این جنگ، سال‌ها وقت لازم است. صدها هزار انسانی که در جبهه‌ها به خاک افتاده‌اند، هیچ‌گاه از گورها برنخواهند خاست و بسیاری از کودکان دانش‌آموز ایرانی که به تشویق "روحانیون" به استقبال کلوله‌های عراقی رفته‌اند، هیچ‌گاه به کلاس‌های درس بازنخواهند گشت. این جنگ که هیچ یک از طرفین به ادامه آن نیازی ندارد، در واقع آفریننده نمونه‌هایی از وحشیانه‌ترین خشونت‌ها و تعصب‌آمیزترین قربانی شدن‌های زندگی بشری است. با این حال، چشم‌انداز خاتمه جنگ و پیروزی یکی بر دیگری هم چنان تاریک است.

آن چه در این میان روشن است، حضور ناوگان دریایی آمریکا است که غرش کنان، سوار بر امواج آب‌های خاکستری، از گذرگاه خلیج فارس وارد شده است. این نیروی دریایی و ناوگان هواپیما بر مجهز به جنگنده‌های بمب‌افکن، به چه منظور در این آب‌ها "گشت می‌زنند؟" اگر گفته‌فرستندگان شان را باور کنیم، هدف، تضمین رفت و آمد بی‌وقفه کشتی‌های نفت‌کش از کشورهای خلیج فارس است....

نفت تنها یک بهانه است و بالاتر از آن، یک بهانه کاذب، زیرا رفت و آمد بی‌وقفه نفت، تنها با برقراری صلح در منطقه خلیج تضمین شدنی است. ولی آیا لازم به توضیح است که فعالیت نظامی گرایانه پنتاگون بهیچوجه در پی استقرار صلح در این منطقه نیست؟ برعکس، این فعالیت تنها به

نشان می‌دهد. نقشه‌هایی که مقدمات آن از مدت‌ها پیش تدارک دیده شده است. سه سال پیش، هنگامی که جنگ ایران و عراق هنوز در مراحل آغازین بود، فعالیت‌های بی‌سروصدای واشنگتن برای تطبیق خود با امکان "آسیب پذیری تجهیزات تولید نفت و کشتی‌های نفت‌کش" شروع شد.

اکنون هادل با غرور اعلام می‌کند آمریکا بیش از همیشه برای مواجهه با این امکان آمادگی دارد! ۱۱۰ میلیون بشکه به ۲۸۵ میلیون افزایش یافته‌اند.

بنا به گفته واشنگتن پست، عده معدودی به این تغییر توجه کردند. انجام بی‌سروصدای این عملیات، بخشی از استراتژی آمریکا بود. واضح است که طراحان سیاست واشنگتن مایل نبودند توجه زیادی را به تغییر چشمگیر در ترکیب واردات نفتی آمریکا جلب کنند. زیرا این خود، افشاگر طرح‌حیاسی و استراتژیک دوربرد آنها، نه تنها برای خلیج فارس، بلکه برای مجموعه خاورمیانه بود. فارس در حوزه عملیات فرماندهی مرکزی آمریکا است که در ۱۹۷۲ ایجاد شد و نیروی واکنش سریع را، با بیش از ۲۰۰/۰۰۰ نفر، در اختیار دارد. گذشته از آن، این افراد سرپازان عادی نیستند، بلکه اکثراً متخصصین نظامی‌اند که جدیدترین نوع تسلیحات، بمب هسته‌ای و شاید حتی بمب نوترونی را در اختیار دارند. در سال ۱۹۸۱، هنگامی که واین‌برگر، وزیر دفاع آمریکا ندای استناده از بمب نوترونی در خارج از مرزهای اروپا را داد، برخی از نزدیکانش با عجله تصریح کردند که منظور، در درجه اول، منطقه خلیج فارس است.

اکنون در ایالات متحده در مورد بمب‌های نوترونی زیاد صحبت نمی‌شود، ولی آنها را محرمانه تولید و انبار می‌کنند. طبق اطلاع برخی روزنامه‌های آسیا، یکی از مراکز انبار این بمب‌ها جزیره دیه‌گواریسیا است که به عنوان پایگاه تأمین کننده مجموعه امکانات نظامی آمریکا در منطقه

خلیج فارس عمل می‌کند. تمام این واقعیات حاکی از این است که تهاجم آمریکا برای کشورهای منطقه، یک خطر واقعی است و در مورد کشورهایی که شرکای آمریکا به حساب می‌آیند، نیز، این خطر کمتر از دیگران نیست. یک رهنمود محرمانه پنتاگون که دو سال پیش علنی شد، دقیقاً مشخص می‌کند، اگر قطع واشنگتن در مورد قطع جریان نفت، خطری احساس کند به هیچ‌وجه در نظر ندارد مداخله خود را به این امر مشروط سازد که حتی "دول دوست" از او دعوت به عمل آورند؛ به این ترتیب تصادفی نیست که عربستان، این کشور تولید کننده نفت و با نفوذ، در این اواخر مورد انتقادات شدید مطبوعات آمریکا قرار می‌گیرد و شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا، "ناامیدی" خود را از سیاست عربستان اعلام داشته است. به احتمال قریب به یقین تمام این جزئیات با کاهش واردات نفت آمریکا از عربستان سعودی مربوط می‌شود. دولت ریگان آشکارا قصد دارد دست‌های خود را برای انجام قمارهای نظامی در خلیج فارس باز نگاهدارد. و در عین حال کنترل مستقیمی بر جریان نفت به اروپای غربی و ژاپن اعمال کند.

کوبی از یک مرکز واحد دستوراتی صادر می‌شود تا جوی‌های خون در تمامی این منطقه جاری شود؛ از سواحل لبنان تا باتلاق‌های عراق و آن سوه در گردنه‌های کوهستانی که دسته‌های ضدانقلابی از آن طریق به افغانستان فرستاده می‌شوند، تمام اینها اجزاء یک توطئه‌اند. سیاستمداران تل‌آویو صراحتاً اعلام کردند ادامه جنگ بین ایران و عراق، بیش از هر چیز دیگر، منافع اسرائیل را تأمین می‌کند. همکاران آنها در واشنگتن در این مورد کمتر صراحت به خرج می‌دهند به ویژه اکنون که انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شود. ولی با این حال، اقدامات آنان، به اندازه کافی گویاست.

دولت ریگان با تکرار و تکرار اینکه واشنگتن تنها قصد دارد از یقیه در صفحه ۵

# وزیر "نمونه" امپریالیسم!

## سرمد ازان رژیم از اجرای توطئه تبلیغاتی "دهقان نمونه" چه هدفی دارند؟!

بقیه از صفحه ۱



انتخاب دهقان نمونه، در حقیقت سرپوشی است که بر واقعیات تلخ زندگی مارات پاره دهقانان می گذارند.

باید از مقامات ضددهقان رژیم پرسید، آیا دهقان نمونه آن روستایی زحمتکشی نیست که تهمانده سفره اش را نیز برای تأمین مخارج جنگ بیهموده با عراق از چنگش بدر آورده اید، فرزندش را در راه منافع توسعه طلبانه، به گوشت دم توپ بدل ساخته و زمینش را که سالها روی آن رنج کشیده و عرق ریخته است به بزرگ مالکان تقدیم کرده اید؟ آیا دهقانان نمونه ایران، زحمتکشان روستاهای لرستان، ترکمن صحراء مازندران و خراسان و... نیستند که شجاعانه از حق خود در مقابل مالکین فراری بازگشته به روستا دفاع می کنند و توسط گزبه های شما به زندان می افتند (کیهان - ۶۲/۱۱/۱۷ - اطلاعات - ۱۴ خرداد ۶۲ و ۲۰ آذر ۶۲). آیا روستایی تهنی دستی که کوله بار سیه روزی خود را بر دوش گرفته و در جستجوی کار و رفاهای نمان، آواره شهرهای بزرگ شده، نمونه دهقان ایرانی نیست؟

آقای وزیر ضددهقان! دست از عوام فریبی و انتخاب "دهقان نمونه" بردارید! در سایه تدابیر امپریالیسم پسندانه شما، واردات گندم نسبت به سال ۵۶، ۱۲٪ افزایش یافته و واردات جو به ۹۰ برابر رسیده است. شما ادامه دهنده خلف سیاست های ویران کننده شاه معدوم در زمینه کشاورزی هستید. جا دارد امپریالیسم شما را به عنوان وزیر نمونه و بهترین "نمونه" عامل اجرای مقاصد شوم خود انتخاب کند!

تقارن به راه افتادن کارزار تبلیغاتی وزارت کشاورزی با ورود هیأت ۴۰۰ نفری از ترکیه به منظور کشیدن آخرین رمق کشاورزی ایران، حراج نفت، وارد کردن گوشت و گندم و... و تبدیل کشور ما به گورستان وسایل و ماشین آلات کشاورزی و ازده محصول کارخانه های مونتاژ این کشور یا سایر کشورهای امپریالیستی، از عمق توطئه ضدانقلابی حکام جمهوری اسلامی پرده برمی دارد. در حالی که مسئله اصلاحات ارضی به فراموشی سپرده شده و شورای عالی قضایی درماندگی خود را در امر رسیدگی به شکایات دهقانان اعلام می کند (کیهان - ۶۲/۱۱/۲)، هیأت دولت به پذیرایی از دلان خارجی و فرستادگان کشورهای غارتگر امپریالیستی مشغول است. نمایش تبلیغاتی

کشاورزی رژیم جمهوری اسلامی سیاست شعار به نفع دهقانان، عمل به نفع بزرگ زمین داران و سرمایه داران را پیاده می کند. مجموعه اقدامات وزارت کشاورزی در طول یک سال گذشته را می توان در الغای شوراها، کشت و میات های مفت نفسه، تبدیل جهاد سازندگی به وزارتخانه ابزار دست خود، به تصویب رساندن لایحه موقوفات و ابطال اسناد مالکیت ۸۰۰ هزار تا یک میلیون هکتار اراضی مزروعی متعلق به دهقانان صاحب نسق، خلاصه کرد. وزارت کشاورزی به منظور فریب توده های میلیونی دهقانان، هفته گذشته را به عنوان "هفته کشاورزی" اعلام کرد و کارزار تبلیغاتی عوام فریبانه ای تحت نام انتخاب "دهقان نمونه" به راه انداخت.

مصاحبه های تبلیغاتی، نیل به خودکفایی در امر کشاورزی را از اهم نکات برنامه کار آینده خود خواندند. در میان مطبوعات مجاز کشور کمتر روزنامه ای را می توان یافت که مسئله بحران کشاورزی و مهاجرت روزافزون روستاییان به شهرها را به عنوان مسئله مهم اجتماعی - اقتصادی مطرح نکند. هیچ یک از طراحان و پاسخ دهندگان به این سؤال اساسی، به تنها راه حل واقعی این مسئله اجتماعی اشاره نمی کنند، آنان نه می خواهند و نه می توانند در پاره لزوم اصلاحات ارضی بنیادی و تأمین عدالت اجتماعی سخن گویند. این مباحث از طرف شورای نگهبان سرمایه داری و زمین داران بزرگ "خلاف شرع" تشخیص داده شده است. در این میان، وزارت

# تهدید آمریکا در خلیج فارس

بقیه از صفحه ۴

ناوگان آمریکا در خلیج فارس باید مستقیماً به یک تجهیز عمومی در کشورهای ناتو بیانجامد. بدین ترتیب، تهدید مداخله آمریکا در خاورمیانه با تهدید تبدیل مردم این منطقه به گروگان های هسته ای همراه است.

خطر بسیار واقعی است. ولی به هیچ وجه اجتناب ناپذیر نیست. زیرا هر قناری، وچی از گنده گویی در خود دارد. این واقعیت در مورد سیاست دول کنونی آمریکا نیز صادق است؛ اقدامات آمریکا در لبنان گواه این مدعاست. در منطقه خلیج فارس نیز، چون لبنان، اگر نه همه چیز، بسیاری از آن ها به این بستگی دارد که مردم و رهبران این کشورها تشخیص دهند جنگ برادر کشی، در این شرایط پیچیده بسیار گران تمام خواهد شد.

کهنه ای هستند که ۲۰ سال پیش به پیمان بغداد انجامید. این پیمان مدت ها است مرده، ولی اهداف پشت این پیمان اکنون از نو زنده می شوند. حتی چیزی بیش از این، اکنون این نقشه ها در پرتو تلقی و این برگر از جنگ علیه اردوگاه سوسیالیسم که باید لااقل در دو جبهه و به طور هم زمان صورت گیرد، خصلت کاملاً شومی به خود گرفته اند.

پنتاگون این واقعیت را پنهان نمی کند که به خاورمیانه، مانند اروپا به عنوان صحنه بالقوه بنایشات خشونت بار هسته ای می نگرد. تصادفی نیست که طبق گزارشات مطبوعات اروپایی و آسیایی، آمریکا طرح هایی جهت استقرار موشک های پرشینگ ۲ در ترکیه و پاکستان دارد. مطابق یکی از سناریوهای پنتاگون، تمرکز

"نفوذ" روسها در منطقه جلوگیری کند گاه در این و گاه در آن کانون متشنج، آتش افروزی می کند و ترسش، بیش از همه نه از گسترش درگیری ها آن طور که خود ادعا دارد، بلکه از خاتمه آنها است. به عنوان مثال همه می دانند هرگاه کوچک ترین چشم انداز توافق میان افغانستان و پاکستان پدید می آید، سیاستمداران آمریکا با عجله، رهبران نظامی پاکستان را عقب می کشند. وحشت دولت ریکان از خاتمه جنگ ایران و عراق کمتر از این نیست. زیرا این جنگ، اولاً بهانه ای برای مداخله آمریکا به دست می دهد، ثانیاً، امکان به زاست کشاندن دول درگیر را فراهم می سازد، (این گرایش در سرکوب وحشیانه حبیب توده ایران آشکار بود) و ثالثاً، کشورهای را که استراتژی های واشنگتن مدتهاست می کوشند تا به منظور ایجاد یک سریل در مرزهای جنوبی اتحاد شوروی، تحت نفوذ خود در آورند، ناتوان می سازد. این ها نقشه های

مرکز بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا

دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

# "جرم" توده‌ای‌ها: نفوذ در قلب مردم، نشر اندیشه و فرهنگ مرفی

بقیه از صفحه ۱

آنهايي که شکنجه را مطرح می‌کنند، در کشور خود با افراد تروریست و جاسوس چه می‌کنند، آیا آنها را آزاد می‌سازند و نوازش می‌کنند؟ وقتی "کندی" کشته شد با قاتلش چه کردند؟! (اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت).

اقرار به استفاده از شیوه‌های "سیا" در رابطه با انسان‌های مبارزی که رژیم به پیروی از سنت ننگین شاه ملعون، آنان را "تروریست" و "جاسوس" می‌خواند، البته تصادفی نیست. واقعیتی است که از زبان به اصطلاح سرنگهبان قوه قضاییه جمهوری اسلامی، یعنی کسی که باید از "حرمت رعایت قوانین قصاص و تعزیر و تقتیل پاسداری کند" جاری می‌شود. ناگفته پیداست، وقتی سرنگهبان قوه قضاییه جمهوری اسلامی در یک "کنگره جهانی" با افتخار اعلام می‌کند، اعمال شیوه‌های سیائی شکنجه در زندان‌ها "شیوه معتاد" زندانبانان جمهوری اسلامی است، هنگامی که به امر مقدس "ارشاد" نگهبانان با نام و بی‌نام حاکمیت مشغول است با احتیاط کمتر و آزادی وجدان

بیشتری سخن می‌گوید. و این "مکتبیان بخوانیده علم، استاد" را به اعمال شقاوت بیشتری در پر خورده یا زندانبانان سیاسی تشویق می‌کند، چون: "باید بگویم، ماحقن یکی زندانی سیاسی ندارم، البته اگر قائلین و آدم‌کشان و جاسوسان را جزو زندانبان به حساب نیاورید". کلام آشنایی است! شاه ملعون نیز در توجیه جنایات خود، درست همین عبارات را به کار می‌برد.

## آیاتوده‌ای‌های در بند و شکنجه‌دید، "قاتل" و "جاسوس" اند؟

آقای اردبیلی، سرنگهبان قوه قضاییه جمهوری اسلامی، با تأکید بر این نکات، در واقع جواز اعمال تعزیر و تقتیل در باره "قاتلان" و "جاسوسان" و "آدم‌کشان" را صادر می‌کند. ولی واقعیت آنست که برای یافتن این قماش آدم‌ها، نه در میان اعضای حزب توده ایران، بلکه در بین باندهای قاتل و آدم‌کش و جاسوسان ریز و درشت ذی‌نفوذ در حاکمیت را باید جستجو کرد. توده‌ای‌ها به گواه باورهای عمیق

مردم، به گواه زندگی سراسریاک و پیکار خود، انسان‌هایی بی‌نصیب از حداقل یک زندگی عادی، پاک باخته، با فرهنگ و خدمتگزار مردمند که تنها با مظاهر زر و زور و تزویر و برای سعادت و پیروزی زحمتکشان میهن خود مبارزه می‌کنند. جرم آنها اراده و تلاش پی‌گیر برای احقاق برنامه‌های انقلابی است. جرم آنها دفاع از انقلاب و جذب هرچه بیشتر و گسترده‌تر نیروهای انقلابی و مومن به آرمان‌های مردمی و اشاعه فرهنگ و دانشی مرفی است که به اندیشه و هنر پر بار این سرزمین غنا می‌بخشد.

این "جرایم" را توده‌ای‌ها به خود نسبت نمی‌دهند، فرمانده سپاه پاسداران که عملیات "فتح‌المبین" سرکوب توده‌ای‌ها را رهبری کرده است، می‌گوید: "حزب توده (ایران)... شروع به بلعیدن اجزای مخالف جمهوری اسلامی کردند و در این راه تا حدود زیادی هم موفقیت به دست آوردند. ... اولین موفقیت حزب توده انشعاب در چریک‌های فدایی بود و هم‌زمان با آن نفوذ در سازمان

مناقضین از طریق سعادت‌ی خاثن و در حزب دمکرات نیز ضمن نفوذ در این حزب در کنگره ششم، بخش عظیمی از آن را به خود متصل کردند" (کیهان - ۱۵ اردیبهشت). عطاءالله مهاجرانی، نماینده مجلس نیز "جرایم" توده‌ای‌ها را چنین ارزیابی می‌کند: "حزب توده، از دیرباز تأثیر بسیاری بر اهل قلم و اهل هنر داشته است..." (اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت).

و بر پایه این تأثیر بخشی بالنده و متعالی ساختن اندیشه و هنر انقلابی، "خیانت فرهنگی حزب توده و اندیشه مارکسیسم را" نتیجه می‌گیرد و "عاملان" شناخته شده این "خیانت" را "افراد از قبیل آقای طبری و به آذین..." مستحق شدیدترین مجازات‌ها و جبران "خسارت فرهنگی و گمراهی‌ها" می‌داند. که پدید آورده‌اند، می‌داند. از بی‌بایگی استدلال آقای نماینده مجلس که بگذریم، دستیابی به همین نتیجه برای ما پس که توده‌ای‌ها نه به جرم "آدم‌کشی"، "قتل" و "جاسوسی" به بند کشیده شده‌اند و از این رو مستحق مجازاتی که سرنگهبان قوه قضاییه جمهوری اسلامی (به استناد سیاست سیا) در مورد "افراد تروریست و جاسوس" جایز می‌شمرد، نیستند، بلکه تنها به خاطر نفوذ گسترده‌تر در افکار و قلب‌های مردم، غنی ساختن فرهنگ ملی و مرفی و نشر آن، و در یک کلام به جرم "ذکراندیشی" به حد کشت شکنجه می‌شوند و باید "این خسارت فرهنگی و (ایجاد) گمراهی‌ها" را جبران کنند! مردم ما می‌دانند در ناکجا آبادی که حاکمان جمهوری اسلامی به آنان نوید داده، جز وابستگی، خیانت، جنایت و گمراهی نصیب آنان چیز دیگری نیست.

## بهترین تجلیل از شهدای خلق، اتحاد...

بقیه از صفحه ۲

مضمون اصلی آنست، از هیچ کوششی برای افشای جنایات رژیم در زندان‌ها و آزادی زندانبانان سیاسی دریغ نمی‌ورزد. این واقعیت هشدار دهنده که حنیف نژادها، سعید محسن‌ها و... در کنار روزبه‌ها، حکمت‌جوها، تیزابی‌ها و بی‌کونده‌ها جان برکف و تا آخرین توان خود علیه امپریالیسم و استبداد رژیم‌دند و با گلوله‌ای که از یک اسلحه شلیک می‌شد، به

شهادت رسیدند، این وظیفه تأخیر ناپذیر را در برابر همه نیروهای متعهد به منافع مردم می‌نهد که در مقام اثبات ارادت خود به آرمان‌ها و اهداف این شهیدان پراچ، به دور از هرگونه تفرقه افکنی، صرف خود را جهت مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و ارتجاع حاکم بر کشورمان و به خاطر نیل به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی متحد کنیم.

بهترین احترام و تجلیل از خاطره شهیدان قهرمان، ره سیرده در راه اتحاد و نبرد پی‌گیر علیه دشمن واحد، یعنی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و متحدین داخلی آن است. - جاودان باد خاطره شهدای خرداد (۱۳۵۸) - متحد باد صفوف همه رزمندگان راه خلق، علیه امپریالیسم و اعمال ایرانی آن.

از این حقیقت مردمی سخن می‌گویند که از تجربه ۲۵ سال سیطره استعماری و استبدادی خاندان منحوس پهلوی درس‌های گرانباری آموخته‌اند و سرنگونی آن راه، با دست‌های خود، تحقق بخشیده‌اند!

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

## وصیت نامه رفیق شهید شاهرخ جهانگیری:

# اینجا سرزمین "روزبه" هاست؛ میهن "کیوان" ...



کار کن. زیرا از این راه است که انسان ارزش پیدا می کند... کیوان عزیزم. پسر بازیگوش خوشگلم. فرصت نشد زیاد با هم باشیم. مرا ببخش. من در راه آرمانی والا کار کردم و به شهادت می رسم. راه مرا پیش گیر...

باز هم حرف داشت. ولی صفحه کاغذ تمام شده بود. حالا می توانست با "گوسفندی"، حرفهایش را بزند. با تمام قامت ایستاد و پیش از آنکه او غل غل عفن دهانش را باز کند، به رویش تف انداخت.

شب رسیده بود. برق قهری در تاریکی. قرق گاه ظلم... آی چه کسی است که شب را می شکند؟! دری نیمه باز شد. تیغه کاردی در سیاهی. و صدای دوار برانگیز پسته شدن درها... کجا بود؟ مرکز؟ شمال؟ جنوب؟ جنوب... جنوب... جنوب... مردم... پیش از همه جنوب... بدوید... آخرین الماس کلام شهیدی را به سقف شهر آویزان می کنند... یک توده ای... تازه آخرین روز اولین ماه بهار است! چه خیال کردی مرد؟! اینجا سرزمین "روزبه" هاست. میهن "کیوان". ویر قلب آسمانش خوشه های "پروین" را منجوق دوزی می کنند!

(وصیت نامه رفیق شهید شاهرخ جهانگیری، در شب سی ام فروردین، به طور وسیعی در ایران پخش شد.)

خیانت کردی."  
را نوشت:

"می دانی که کار سختی داشتم و آن تلاش در راه رهایی زحمتکشان بوده است و تا آخر به این راه وفادار بودم و هستم. من اکنون با تو و فداکار دیگر شاد و خندان و آواز خوان به طرف شهادت در راه آزادی می روم، تویدان که من خوشبخت هستم."

با خود فکر کرد لایق در قلبش گریه خواهد کرد. همین کاغذ را در دستاش خواهد گرفت و به سینه خواهد فشرد و با اخمی محزون و از سر درد خواهد گریست... های های!  
"از نبودن من ناراحت نباش. به کوری چشم دشمنان، شاد و خوشحال باش... بعد از مرگ من به فرزندان بگو راه مرا پیش گیرند. راه خوشبختی انسان ها..."

"گوسفندی" از این سکوت و بی اعتنائی، سم به زمین می کوبید... از میان دندانهای زردش، فحش می داد... کوچک بود، خیلی کوچک و می خواست بانصره رشد کند؛ بزرگ باشد:

... لامصب جاسوس؛ چرا جواب نمی دی؟! می خواهی همین جا حلالیت کنم؟! می کم باید بنویسی خائن بودی... خیانت کردی... برای روسیه جاسوسی کردی... ضد خدا و اسلام بودی... باید بنویسی تا همه عبرت بگیرن... حرف مارو کمتر می خونن... اقرار تو یه چیز دیگه س... بنویس یه لکه ننگ بودی...  
وا نوشت:

"روزبه عزیزم، خیلی دوستت دارم. تو و کیوان را به اندازه نصف مامان دوست دارم. حال خودت حدس بزن که چقدر به تو علاقمند هستم...  
"عزیزم با تمام وجود برای مردم

قنداق تفنگ مجبور می شد، حرفش را بخواند، تحقیرهایش هم به قدر خودش حقیر بود.

... شنیدی؟! ...

نه! نمی شنید. به آن کاغذ سفید یکدست نگاه می کرد. به رویش دست کشید مثل اینکه به ساقه نرم و زنده درختی جوان، در این بهار، دست می کشد. و از هوای جنگلی انبوه پر شد... طبیعت... چه محرومیت ظالمی!

... شنیدی ذلیل؟! حاجیت می ره... ا. دقیقه، تخت مهلت داری هرچه می خواهی بنویسی... حالیه که هرچی یعنی چی؟! بیبین... توبه یادت نره... وقتی زنده بودی، کسی حریت نشد... حالا وقت مرگت، نذار دست ما به گوشت نجس بخوره... ما نماز می خونیم... می شوی یا من دارم با این دیوار حرف می زنم؟! ...

نه! نمی شنید. به آن کاغذ نگاه می کرد و به دستهایی که وقتی او نبود، آن را لمس می کرد:

"پروین عزیزم. درود بی پایان بر تو باد. می دانی که چقدر دوستت دارم..."

و به خود نپیچ زد. کاش می توانست گرمی آن دستها را یکبار دیگر هم احساس کند و بر آن ها بوسه زند:

"آخرین عشقم! اولین تقاضایی که از تو دارم اینست که مدتی بعد از مرگم ازدواج کنی. تو خوشبخت خواهی شد و خوشبختی از آن تو و فرزندان است. عزیزم مرا ببخش که نتوانستم آنقدر که دلم می خواست به تو توجه کنم."

"گوسفندی" روبرویش ایستاده بود. نیشخند نفرت انگیزی بر لب داشت. زهر کینه اش را می ریخت:  
"بنویس که خائن بودی... بنویس که به اسلام و جمهوری اسلامی

شب نمی گذشت. دستها زیر سر، به سقف خیره شده بود... چه یلدایی! یلدای شکنجه، یلدای عذاب، یلدای هر لحظه مردن و از نو زنده شدن، یلدای چشم در چشم پر خون و دریده میرغضبان و باژگونه معلق ماندن، یلدای تومین و تحقیر... یلدایی به بلندی حصارهای زندان اوین، این همیشه حریر آدمی خوار... های های... چه یلدایست برای آن جانهای پاک...  
مست از جام سرود، شیفته، آن را می خواند، با دهانی بسته جرعه جرعه می نوشیدش و رگ و پی و قلبش جان می گرفت.

ناگهان در به دیوار دوخته شد؛ کویش خشک فلز بر سیمان. باز دیگر چه خبر شده؟! دریغ از یک لحظه، یک لحظه آرامش...  
... یا شو... یا شو... باید غزل خدا حافظیت رو بخوونی... هه! ...

طرف رو پیا! ... سرود می خونه... وقتی سرب تو کلوت پر کردن، اونوقت می فهمی دنیا دست کیه! ... او را می شناخت. این جلاد نیمه دیوانه را همه می شناختند.

تخصصش در "گوسفندی" بود. اما لگدپرانسیهایش هم با دیگران فرق داشت. سرتاسر کف پوتینش را با نعل، فرش کرده بود؛ این طوری زودتر می توانست دندانهای اسپرش را خرد کند.

... یا شو ذلیل! یا شو وقت شرکم کرده... یا شو وصینت و بنویس... اما ببین... شعاری شعارا... والا...  
... و از پشت لبهایش، هوا را با صدا پیرون داد.

... خودمون پاکش می کنیم! کاغذ و مداد را زیر دماغش گرفت. هیچ وقت او را جدی نگرفته بود، حتی وقتی که به ضرب

... خودمون پاکش می کنیم! کاغذ و مداد را زیر دماغش گرفت. هیچ وقت او را جدی نگرفته بود، حتی وقتی که به ضرب

... خودمون پاکش می کنیم! کاغذ و مداد را زیر دماغش گرفت. هیچ وقت او را جدی نگرفته بود، حتی وقتی که به ضرب

... خودمون پاکش می کنیم! کاغذ و مداد را زیر دماغش گرفت. هیچ وقت او را جدی نگرفته بود، حتی وقتی که به ضرب

## رفیق علی خاوری:

# حزب را به صلابه کشیده

پنج سال از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ضدامپریالیستی و مردمی ایران که دیکتاتوری فاسد شاه را نیست و نابود کرد می‌گذرد. انفجار انقلابی پی‌آمد تضادهای آشتی‌ناپذیر حاد سیاسی و اجتماعی - اقتصادی بود که از سیاست ضدحلقی رژیم شاه ناشی می‌شد. سیاستی که با خوش خدمتی برای اربابان به امپریالیست‌های آمریکا امکان داده بود تا کشور ما را کاملاً اسیر و وابسته خود سازند. تضاد فنی نیست که پس از سرنگونی رژیم سلطنتی شعار "بعد از شاه، نوبت آمریکا است" سراسر کشور را فرا گرفت. اشتراک فعال توده‌های چند میلیونی مردم زحمتکش و در درجه اول پرولتاریای ایران در درگیری‌ها، به انقلاب خصلت عیقا مردمی و دمکراتیک بخشید. پرولتاریای ایران در صف مقدم این مبارزه با خواست‌های خود یعنی انجام دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی - اقتصادی و تأمین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک شرکت می‌کرد.

اما نیروهایی رهبری انقلاب را به دست گرفتند که به علت محدودیت طبقاتی و ایدئولوژیک خود قاطعیت، دور نگری و دایره وسیع اندیشه و عمل نداشتند. مسئله رهبری تا امروز هم ضعیف‌ترین حلقه پیرو انقلاب است و نتیجه ویژگی‌های وضع سیاسی کشور طی سه دهه اخیر است.

امپریالیسم و ارتجاع طی دوران طولانی سلطه ظلمانی خود با توسل به تزییق و فشار شدید پلیسی، سازمان‌های دمکراتیک و مترقی کشور را سرکوب کردند و زبان‌های محسوسی به نیرومندترین آنها یعنی حزب توده ایران وارد آوردند. در واقع تا حدود زیادی به همین سبب، رهبری انقلاب بلامنازع به دست روحانیون مسلمان افتاد. روحانیون در زمان دیکتاتوری شاه هم امکان داشتند از طریق مساجد با توده‌ها که اکثریت قاطعشان مذهبی هستند، در ارتباط باشند.

روحانیونی که پس از پیروزی انقلاب سکان حاکمیت را به دست گرفتند، به علت اینکه از لحاظ تعلقات طبقاتی - اجتماعی بسیار نامگون هستند، طبعاً، نمی‌توانستند نظریه واحد و خطی مشی واحدی در مورد مسائل مهم و مقدم بر همه مسائل اجتماعی داشته باشند و هیچ برنامه دقیق و سنخیده‌ای نداشتند. در قطعنامه هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران که چندی پیش برگزار شد تأکید شده است که:

"روحانیون حاکم، ترکیبی از جناح‌های گوناگون را تشکیل می‌دهند. جناحی مظهر سیاسی و نماینده کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و گروهی نماینده بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی است" (۱).

تلاش محافظی که اهرم‌های رهبری کشور را به دست خود گرفته‌اند، برای انحصار حاکمیت به خود، تحمل نکردن "دگراندیشان" و از جمله اعضاء و طرفداران حزب توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و "مجاهدین خلق" که در مبارزه فعالانه شرکت جستند، عملاً نیروی قابل ملاحظه‌ای را از انقلاب گرفت. در این جریان جناح راست حاکمیت جمهوری اسلامی با پشتیبانی بورژوازی و بزرگ مالکان و همچنین ضدانقلابیون مختلف آشکار و نهان کار را بدانجا کشاند که بتواند جلوی پیشرفت انقلابی را بگیرد. تفرقه و پراکندگی نیروهای چپ و دمکراتیک انقلابی، فقدان جنبه واحد خلق که شرط لازم برای انجام دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی - اقتصادی به منظور تخریب پایه‌های سلطه طبقات استثمارگر است، وضع

را وخیم‌تر می‌کرد. این تفرقه و نفاق در برابر وحدت عمل اردوگاه ضدانقلاب و ارتجاع، انقلاب را تضعیف نمود. انقلاب از حرکت صعودی خود بازماند و گام به گام بازگشت به عقب را آغاز کرد.

از همان آغاز کار خواست توده‌های زحمتکش و نمایندگان سیاسی آنها در بردارم شکستن دستگاه اداری ضد مردمی سابق و انجام تحولات عمیق اجتماعی با شدیدترین مقاومت‌ها از طرف عمال امپریالیسم، قشرهای ثروتمند و روحانیون مرتجع که بیانگر منافع سرمایه‌داران و بزرگ مالکان بودند روبرو می‌شد. این نیروها می‌کوشیدند به این یا آن شکل، حتی المقدور اجزاء و بخش‌هایی از نظامات و قوانین و نهادهای ضدحلقی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سایر عرصه‌های زندگی کشور نجات داده و حفظ کنند.

طرح قانون اصلاحات ارضی، این آرزوی چند صدساله دهقانان زحمتکش، حتی پس از تغییرات بی‌شماری در لایحه که پاسخگوی منافع زمین‌داران بود، از طرف شورای نگهبان رد شد. وظیفه شورای نگهبان در این خلاصه می‌شود که مراقب باشد قوانینی که به تصویب می‌رسد با احکام اسلامی و نص قانون اساسی مطابقت داشته باشند. در ترکیب این ارگان نمایندگان روحانیت بزرگ که طرفدار حفظ پایه و اساس نظام بورژوا - فئودالی هستند، اکثریت دارد. مردم آن را "شورای حفظ منافع سرمایه‌داران" می‌نامند. این شوراطرح قانون اصلاحات ارضی را رد کرد و آیت‌الله خمینی نیز بعداً بر رأی شورا صحه گذاشت. بدین ترتیب آشکار شد که رهبری جمهوری اسلامی از وعده‌هایی که پس از پیروزی انقلاب داده بود علناً دوری می‌جوید.

محافل حاکمه در پاسخ به خواست‌های زحمتکشان که انتظار داشتند انقلاب به تحولات واقعی در وضع آن‌ها بیانجامد، شعار "عدالت اسلامی" را پیش کشیدند. بسیاری آن را باور کردند، هرچند هرکس در این شعار آرمان خود را جستجو می‌کرد. مفهوم "عدالت اسلامی" هیچ‌وقت مضمون دقیق و معینی نداشته و حتی خود روحانیون هم آن را به اشکال گوناگون تفسیر کرده‌اند. بخشی از شخصیت‌های مذهبی برقراری هرگونه حد و مرزی برای مالکیت خصوصی و مقدار ثروت را مطلقاً رد کرده و می‌کنند. آنها می‌گویند "مالکیت خصوصی همان قدر مقدس است که خون شهدای اسلام". طی دو سال اخیر همین محافل هستند که مرتباً مواضع خود را محکم کرده‌اند.

انقلاب به گروه پندی سرمایه صنعتی - مالی وابسته به دربار و امپریالیسم ضربه زد و خسارات جدی بر قشر کمپرادور سابق وارد ساخت. ولی طبقه سرمایه‌داران به طور کلی و از جمله بورژوازی بزرگ و متوسط امکان یافت مواضع خود را چه در اقتصاد و چه در سیستم اداره کشور استحکام بخشد. فقدان هر نوع کنترلی در تولید، بازرگانی داخلی و خارجی و قیمت‌ها، دست سرمایه‌داران و مالکان بزرگ را کاملاً باز گذاشته است. بورژوازی تجاری یا "بازار" قدرت قابل توجهی به دست آورده است. در همان دوامین سال انقلاب این بخش از بورژوازی بیش از ۱۶ میلیارد دلار سود خالص به جیب خود سرازیر کرد. بورژوازی تجاری با بهره‌گیری از هرج و مرج اقتصادی و سودجویی از روابط خود با قشر بالایی روحانیون، چهاراسبه به دنبال کسب منفعت است و اینکه در حقیقت در نقش کمپرادور جدید عمل می‌کند.

تمام این جریان‌ها کشور را فرا گرفته مستقیم عمال امپریا قاطعیت و ندانم‌کاری اقتصاد کشور، رشته آستانه وزشکتگی کا سال پیش از ۱۴/۷ میلیارد می‌دهد ۴/۸ میلیارد آرسیده است. مواد خا تا حدی چرخ صنایع یعنی در حدود ۷ میلیا ایران از کشورهای پی ماشین‌آلات به ترتیب درآمد نفت وجود ندا؛ افتاده بود.

به نسبت تحکیم مو روابط اقتصادی ایران متحده آمریکا، جمهور غیره گسترش می‌یابد مجموع واردات ایران بازگشت کشور را به د به امپریالیسم بود (زما جنگ بی‌معنی عراق آورده و می‌آورد. ص میلیون‌ها نفر خانه و ز از شهر و زادگاه خود زبان‌ها و خساراتی که دلار می‌رسد. هزینه‌ها یکی از بی‌آمدهای جدی نیروهای راست‌گرا و حاکمیت است. اگر درگیری مسلحانه، پیش امپریالیستی در امور حزب توده ایران بی‌گیرخواستار حل و پایان دادن به جنگ بر چرخش تند می بینآمدهای اجتماعی - مردم تأثیر می‌کند و م تنزل بهای ریال، (بهای کالاها ضروری سال ۱۳۵۷ تا کنون تق زحمتکشان شهر و رو. کارگران عملاً تغییری بی‌کاری بیداد می میلیون نفر بی‌کارند. سندیکایی مستقل خ گردیده‌اند. اکثریت فاقد زمین هستند در از آنان زادگاه خود



# انقلاب را متلاشی سازند

واشنگتن علیه سوسیالیسم و تمام نیروهای مرفقی و دمکراتیک جریان دارد. این تطابق خطرناک با منافع بنیادی مردم ایران مغایرت دارد. تردیدی نیست که امپریالیسم آمریکا از تلاش برای بازگرداندن ایران به زیر سلطه خود به هیچ وجه دست نکشیده است.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه، مردم ایران که به طور مداوم زیر فشار روزافزون امپریالیست‌ها بودند همواره پشتیبانی، حسن نیت و دوستی همسایه‌نیرومند شمالی خود را احساس کرده‌اند. مردم میهن ما به خوبی به میزان و اهمیت نقش این انقلاب بزرگ در فراهم ساختن شرایط برای دست‌یابی به حق ایجاد حاکمیتی مستقل در زندگی و تاریخ خود واقفند. میهن‌لین خلق‌های ما را از فاشیسم رهایی بخشید. اتحاد شوروی با قاطعیت از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ پشتیبانی کرد. وقتی امپریالیسم انقلاب را تهدید می‌کرد، اتحاد جماهیر شوروی مانع انجام برنامه تحریم اقتصادی علیه ایران که مورد نظر ایالات متحده آمریکا بود، گردید و به هنگام محاصره اقتصادی به کشور ما کمک کرد. در اینجا چه تضاد بارزی بین اقدامات امپریالیسم آمریکا که کودتای ارتجاعی سال ۱۳۳۲ را سازمان داد و سپس عملاً ایران را زیر سلطه خود کشید و اکنون نیز به طور مداوم علیه انقلاب ایران توطئه می‌چیند و می‌کوشد آن را با محاصره اقتصادی و مداخله مسلحانه خفه کند دیده می‌شود!

تبلیغات دامنه‌دار ضد کمونیستی و ضد شوروی در بهمن سال ۱۳۶۱ به اوج خود رسید، و این هنگامی بود که گردانندگان امور کشور ضربه عهدشکنانه‌ای به حزب ما وارد آوردند تا جدی‌ترین مانع در سرازیر خود برای لغزش هر چه بیشتر به راست را از پیش پا بردارند. این عمل به یاری و به رهبری عمال امپریالیسم چنان طرح‌ریزی شده بود که در آن واحد انقلاب را از هر دو عامل اصلی که از آن پشتیبانی می‌کردند: عامل داخلی حزب توده ایران و عامل خارجی اتحاد جماهیر شوروی، محروم نمایند.

سراپه تاریخ معاصر ایران گواه مبارزه قهرمانانه و فداکاری‌های حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران در دفاع از منافع ملی ایران و علیه تجاوزات امپریالیسم و شاهد مبارزات آن برای سرنگونی دیکتاتوری شاه و ساواک و حفظ و تحکیم دست‌آوردهای انقلاب سال ۱۳۵۷ است. دفاع پی‌گیر از خواسته‌های مردم زحمتکش، مشی روشن پشتیبانی و انتقاد از حاکمیت جمهوری اسلامی، شرکت فعال در عقیم ساختن توطئه‌های ضد انقلاب، همه "گناهان" نابخشودنی حزب توده ایران در نظر امپریالیسم و ارتجاع است.

اعضای حزب توده ایران و هم‌فکران این حزب در سایر نقاط جهان برای یک لحظه هم شده‌اند از پشتیبانی انقلاب ایران باز نایستادند. مردم ایران یاره‌سراییه‌ها و اباطیلی را که در پاره حزب توده ایران و اتحاد شوروی اشاعه می‌دهند، نمی‌توانند باور کنند و باور نکرده‌اند. مقامات دولتی در تلاش برای "اثبات" دروغ‌ها و جعلیاتی که ساخته و پرداخته‌اند مجبور شدند به شیوه‌های تفتیش عقاید قرون وسطایی دست بزنند تا "اعترافات" مورد نیاز خود را بگیرند. پس از آن صحنه‌های شرم‌آوری که ترتیب دادند که طی آن چهره‌های شکنجه دیده و مسخ شده قربانیانی روی صفحه بقیه در صفحه ۱۵

شهرهای بزرگ رومی‌آوردند و در آنجا به صف سپاه بی‌کاران می‌پیوندند.

زنان که تعداد کثیرشان فعالانه در تظاهرات و مبارزات انقلابی شرکت داشتند، در معرض تزییقات و تحقیری هستند که فقط با آداب و رسوم قرون وسطایی قابل مقایسه است. به رغم یاره‌سراییه گردانندگان امور در پاره برابری حقوق زنان با مردان، این نیمی از جمعیت کشور در خانواده، در محل کار و حتی اغلب در برابر قانون هم افراد "درجه دوم" به شمار می‌آیند.

اقلیت‌های ملی مانند آذربایجانی، کرد و غیره علاوه بر محرومیت‌ها و ناملایماتی که تمام زحمتکشان ایران تحمل می‌کنند با ستم ملی نیز روبرو هستند. اینک بیش از چهار سال است که در کردستان ایران به طور عمده، به گناه محافل شوونیست رژیم کنونی خون میهن‌پرستان کرد به زمین ریخته می‌شود.

تجزیه و تحلیل وضعی که پیش آمده به پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب ما امکان داد به این نتیجه برسد که:

"علی‌رغم کوشش پی‌گیر حزب توده ایران و دیگر نیروهای مدافع آرمان‌های توده‌های محروم، انقلاب در مرحله سیاسی متوقف شد و نتوانست به انقلاب اجتماعی فراروید. انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و دمکراتیک به استبداد قرون وسطایی برای احیای نظام سرمایه‌داری وابسته انجامید" (۲).

یکی از روشن‌ترین شواهد چنین تغییر حالتی تزییقات فوق‌العاده خشونت‌آمیزی است که نسبت به نیروهای چپ و دمکرات‌های انقلابی ایران اعمال می‌گردد.

از همان آغاز عناصر راست‌گرا و متعصب مذهبی در هیأت حاکمه با بهره‌گیری از مخالفت کلی گردانندگان امور با تمام "دگراندیشان"، خط مشی محدود ساختن آزادی‌های دمکراتیک را تا حد اکثر ممکن برگزیدند. به بهانه تصفیه موسسات و دوایر دولتی و اجتماعی از ضدانقلابیون، انقلابیون واقعی را اخراج کردند. از تدریس طرفداران سوسیالیسم علمی و سایر "دگراندیشان" در دبیرستان و دانشکده سمانعت به عمل آمد و حتی آنان را برای تحصیل در موسسات آموزشی نمی‌پذیرفتند. فقط یک حزب، یعنی حزب حاکم جمهوری اسلامی تمام حقوق و آزادی‌های اعلام شده و اعلام نشده را به خود اختصاص داد. بقیه سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی همه مورد تعقیب و پیگرد قرار گرفتند. نزدیک به دو سال پیش این پیگرد و تعقیب به قهر و سرکوب‌جمعی و آشکار تمام نیروهای مرفقی و دمکراتیک و سازمان‌ها و افرادی که بی‌قانونی و بیدادگری و تعصب را محکوم می‌کردند، انجامید.

به جای مبارزه با دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع، تمام کوشش‌ها متوجه دامن زدن به هیستری ضد کمونیستی و ضد شوروی گردید. این سیاست ارتجاعی که از بیخ و بن با منافع ملی مردم ایران در تضاد است با شعار عوام‌فریبانه "نه شرقی، نه غربی" استوار می‌شود. میان دوستان انقلاب ایران و دشمنان آن، میان نیروهای مرفقی و صلح‌دوست و نیروهای جنگ‌افروز و ارتجاعی علامت تساوی گذاشته می‌شود. با چنین مانورهای ناشیانه سعی می‌کنند وابستگی خود به سرمایه بین‌المللی را پنهان کنند. کارزار دامنه‌دار ضد شوروی هیأت حاکمه ایران در همان مسیر "جنگ صلیبی"

بسیار عمیقی که اقتصاد در نتیجه کارشکنی‌های بزرگ محلی و عدم گردانندگان کنونی چرخ صنعتی و کشاورزی در است. طبق آمار و ارقام هم کل واردات را تشکیل بد خواربار و مواد غذایی که از خارج وارد می‌شود و ناند، هر ساله مبلغ گزافی نور تمام می‌شود. (واردات برمایه‌داری و مواد خام و است). و در این بین اگر کشور مدتها پیش از کار

ن در اهرم‌های حاکمیت، پریالیستی مانند ایالات ژاپن، فرانسه، ایتالیا و در سال ۱۳۶۲ چهارینجم رده است. این خود سرعت اظ اقتصادی کاملاً وابسته دهد.

و فجاج بی‌شماری به بار کشته و زخمی شده‌اند، دست داده و به ناچار دور ع شرایط به سر می‌برند. بار آورده به ۲۰۰ میلیارد بودجه کشور را می‌بلعد. نت داخلی، تحکیم مواضع بری آنها در ارگان‌های للی مسئله ببردازیم، این سیاست تجاوز و مداخله ما کمک کرده و می‌کند. ت مردم ایران به طور ب طریق مسالمت‌آمیز و

شوری اسلامی به راست و دیدار در زندگی توده‌های روزافزون آنها است. افزایش مداوم قیمت‌ها ت اساسی در فاصله زمانی ده است) بیش از هر کس ار می‌دهد. دستمزد ناچیز بیبا ۶ میلیونی کارگران ۲ حق تشکیل سازمان‌های ز منافع خویش محروم دهقانان که مانند گذشته ثی به سر می‌برند. بسیاری به دنبال کار و نان، به

# ایران ناسیونال، عرصه فقر و خشم کارگران

## انجمن اسلامی

انجمن اسلامی کارخانه در میان کارگران مطلقاً وجهه ای ندارد. این امر به دلیل نزدیکی بیش از حد انجمن اسلامی به مدیریت و ارکان‌های سرکوبگر و امنیتی است. تا آنجا که کارگران، فعالین انجمن اسلامی را "بی‌کاره" و یا "جاسوس" می‌نامند. فعالیت انجمن اسلامی را به طور عمده در دو

تالیفات، چسباندن پوستر، جمع کردن وجوه از کارگران، اعزام کارگران به جبهه،

جاسوسی و شناسایی کارگران و کارمندان معترض و گزارش به مدیریت.

در سال‌های اول پس از انقلاب، انجمن اسلامی در بین کارگران محبوبیت داشت ولی پیش گرفتن چنین اعضای به نفرت کارگران انجامیده است. انجمن اسلامی در تقسیم پست‌ها نیز ذی‌نفع است. اعضای این انجمن، عوامل خود را که اکثر افراد کم‌سابقه‌اند، با حقوق بیشتر، جایگزین افراد باسابقه و پرتجربه می‌کنند.

## ایمنی و بهداشت کار

هوای اکثر سالن‌های کارخانه به دود ناشی از قلع، براده سنگ سنباده، دود جوشکاری و ... آلوده است. بیماری‌های گوارشی و ریوی همه کارگران را تهدید می‌کند. اکثر کارگران مریض‌اند. وسایل ایمنی آنان فرسوده و غیرقابل استفاده است. کفش، لباس و ماسک به کارگران داده نمی‌شود. مدیریت با این بهانه که بسیاری از این وسایل در بازار یافت نمی‌شوند ویا گرانند از خرید آنها برای کارگران ظفره می‌زود. ولی کارگران تسلیم نمی‌شوند. در برخی موارد کارگران حتی با دعوا و کشمکش وسایل ایمنی مورد نیاز خود را به دست می‌آورند و با همه این‌ها، وضعیت ایمنی و بهداشت کار در این کارخانه که به یکی از مدرن‌ترین کارخانجات ایران مشهور است، بسیار اسفناک است.

بسیاری از قطعات مونتاژ شده از حد استاندارد خارج شده است. تعطیل آشپزخانه کماکان ادامه دارد، ولی دستور عدم طبخ غذا علانقض شده است. کارگران اولاً ناگزیرند خود، شخصا به طبخ غذا اقدام کنند و ثانیاً چون این کار را نوعی مخالفت با مدیریت می‌بینند، در آن اصرار دارند. از این رو است که این روزها در گوشه و کنار سالن‌های مختلف کارخانه بوی آبگوشت (البته بدون گوشت!) و پلو (با برنج تایلندی) فضا را پر کرده است!

## مدیریت‌های فاسد و باندهازی

تعویض مکرر مدیریت در بسیاری از کارخانجات ایران پدیده‌ای رایج است. ایران ناسیونال نیز در این مورد استثناء نیست. در طول سال گذشته بارها مدیریت این کارخانه عوض شده است. هر مدیریت باند خاص خود را دارد. این باند به سرعت بریست‌های مهم چنگ می‌اندازد. متخصصین کارآمد که زیر بار فشار این باندها نمی‌روند، حذف و یا به گوشه‌ای "تبعید" می‌شوند. روشن است که در چنین وضعیتی صحبت از برنامه‌ریزی علمی و یا لایق برنامه‌ریزی با هدف بهبود امور و با نیت خیر مطلقاً به میان نمی‌آید. هرگونه "برنامه‌ریزی" به صورت کوتاه مدت و تنها در جهت ارضای اهداف محدود باند حاکم صورت می‌گیرد. تنها پس از برکنار شدن آن باند است که اهداف واقعی آنان کاملاً روشن می‌شود.

اخیراً برای چندمین بار مدیریت این کارخانه مرکب از رضی - ضیائیان - اطهریان، صلحدوست و چند تن دیگر برکنار شدند و جای خود را به ترکیب موسوی - هاشمی و ... واگذاشتند. علت اصلی این برکناری افشای دزدی مدیریت سابق بود. "برادران" از فروش مواد اولیه کارخانه، حدود ۶۰ میلیون تومان به جیب زده‌اند!

برند. این ستم وحشیانه خشم و نفرت کارگران را برانگیخته است. کمتر کارگری است که این نفرت را در قالب کلمات و جملات بیان نکند. اعتراضات هر روز جنبه علنی‌تر به خود می‌گیرد. این اعتراضات بیش از همه علیه مسئولین درجه اول کشور که با سیاست‌های خائنانانه خود چنین شرایط غیرانسانی را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده‌اند ابراز می‌شود. تحمل این شرایط، به ویژه پس از کاستن هرچه بیشتر از دستمزدها، دشوارتر شده است.

حدود پنج ماه پیش مدیریت با تأیید انجمن اسلامی تصمیم گرفت ناهار و وقت ناهار کارگران را حذف کند. بدین ترتیب جیره سفره محقرانه خانه کارگران کمتر می‌شد. آنان ناگزیر می‌بایست بخشی از دستمزد خود را برای خرید ناهار اختصاص می‌دادند. و این یعنی کاهش بازهم بیشتر دستمزدها. از سوی دیگر، وقت ناهار که علاوه بر تأمین استراحتی کوتاه، فرصت مناسبی است تا کارگران گردهم آیند و در باره مسائل و مشکلات خود تبادل فکر و نظر کنند، بسیار اهمیت دارد. این توطئه این جنبه از زندگی کارگران را عملاً به تعطیلی می‌کشید.

در مقابله با این توطئه، کارگران آگاهانه و به طور متشکل عمل کردند. کم‌کاری به عنوان شیوه اصلی مقاومت انتخاب شد. به عنوان مثال تولید اتوبوس از ۴ دستگاه به ۲ دستگاه کاهش یافت. کارگران به هیچ‌وجه سعی در پنهان کردن کم‌کاری نداشتند. پس از چندی، مقاومت متحد کارگران بخشی از توطئه را خنثی کرد. مدیریت تصمیم خود را در مورد حذف وقت ناهار پس گرفت، ولی آشپزخانه کارخانه همچنان تعطیل و طبخ غذا ممنوع اعلام شد. پس از این عقب‌نشینی تولید به ۲ دستگاه اتوبوس افزایش یافت. ولی کم‌کاری کماکان ادامه داشت. کارگران همچنین عمداً کیفیت کار را نیز پایین آورده‌اند تا آن جا که

کارخانجات ایران خودرو (ایران ناسیونال) با بیش از ۱۲۰۰۰ کارگرو کارمند، یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های صنعتی کشور و بزرگ‌ترین واحد صنعتی اطراف تهران است. کارگاه‌های متعدد ایران خودرو که همراه با شهرک مسکونی پیکان شهر، بخش وسیعی از محدوده بین‌جاده قدیم تا شمال اتوبان کرج را پوشانده است، اکنون عرصه پیکار شدید طبقاتی است.

اکثر سالن‌های تولیدی این کارخانه، ۲ شیفت و برخی ۲ شیفت در شبانه‌روز کار می‌کنند. کارخانه ثروت و فقر را توأم تولید می‌کند: ثروت برای شرکت تالیوت انگلیس و شرکای ایرانیش و فقر برای کارگران و کارمندان زحمتکش میهن ما!

## دستمزد کم و ساعات کار زیاد

هر روز که می‌گذرد، کارگران و کارکنان زحمتکش ایران خودرو، فشار کم‌تر شکن‌گرانی سرسام‌آور را بر دوش خود بیشتر حس می‌کنند. فقر در میان کارگران یکه‌تاز است. آنان به تجربه دریافته‌اند سیاست دولت در مورد گزان کردن اجناس و ثابت نگاه داشتن دستمزد اسمی، عملاً موجب شده است تا دستمزد واقعی کارگران، یعنی قدرت خرید آنها، نسبت به سال ۵۸، به حدود یک‌سوم کاهش یابد. مدیریت کارخانه به جای افزایش دستمزدها، ساعات اضافه‌کاری را پیشنهاد می‌کند. یعنی در حقیقت سیاست کار بیشتر - پول کمتر رایج است.

بسیاری از کارگران قدیمی کارخانه که عمری در رنج زیسته‌اند، اکنون برای تأمین یک زندگی حداقل برای خانواده‌شان، به رغم توان و سلامت خود به ساعت‌های هرچه بیشتر اضافه‌کاری تن می‌دهند. روزانه کار (ساعات کار در روز) طولانی و طولانی‌تر می‌شود، تا آنجا که برخی از کارگران ناچارند چندین شبانه روز بی‌دری در کارخانه به سر

کارگران ایران! در تشکلهای واقعی کارگری (سندیکاها و شوراهای) متشکل شوید

# اعلامیه جمعی از کارگران بافنده سوختی در مورد پیش نویس جدید قانون کار

فداکاری‌های میلیونها کارگر و زحمتکش به تصویب رسید، تهیه شده باشد، خیال عبثی است. نقد و بررسی بنبند این پیش نویس کارفرمایان در این سطور امکان پذیر نیست.

ما خواستار قانون کاری هستیم که با مشارکت نمایندگان واقعی کارگران تهیه و تدوین شود و این قانون در بر گیرنده آزادی تشکلهای کارگری مستقل باشد (سندیکاها، انجمن‌ها، شوراها...).

ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین سندیکائی و کارگران در بند هستیم. ما از تمام مجامع بین المللی کارگران می‌خواهیم همراه و هم صدا با کارگران و زحمتکشان ایران صدای اعتراض خود را نسبت به پیکره زندان، شکنجه و اعدام فعالین سندیکائی و نمایندگان کارگران که در بند

حکام جمهوری اسلامی هستند بلند کنند. مسئله جالب اینکه مسئولین جمهوری اسلامی وقتی عده‌ای از کارگران ایرانی در کوییت زندانی بودند از مجامع و سازمانهای بین المللی کارگری خواستار آزادی آنها شدند که ما نیز تاکید بر آزادی آنها داریم. ولی همین مسئولین هیچیکه از موازین و مقررات این مجامع را در ارتباط با آزادی کارگران و تشکلهای آنها در جمهوری اسلامی رعایت نمی‌کنند.

ضمن تبریک سال نوبه کارگران و زحمتکشان، همه با هم پیش به سوی برگزاری هرچه باشکوه‌تر جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان.

- قانون کار باید با دست توانای نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان تهیه و تدوین گردد.  
- مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران.  
- بر قرار باد اتحاد تمام زحمتکشان جهان.

جمعی از کارگران بافنده سوختی

۹۲/۱۱/۱۶

طریق رسانه‌های گروهی اعلام شد. این پیش نویس نیز چیزی نیست غیر از مخلوطی از پیش نویس توکلی و قانون کار ستشاهی که ۲۰ سال پیش تهیه شده است. ادعا شده که این پیش نویس بر مبنای قانون اساسی تهیه شده و ما نمونه‌ای از مغایرت قانون اساسی را با این پیش نویس ذکر می‌کنیم:

اصل ۲۶ قانون اساسی در مورد آزادی سازمان‌های صنفی تاکید کرده است. در صورتیکه در این پیش نویس فقط از انجمن اسلامی یاد شده آن هم زیر نظر وزارت کار. وقتی پیش نویس اصول مهم و حیاتی قانون اساسی را که ارتباط مستقیم با سرنوشت طبقه کارگر و زحمتکشان دارد، چنین نادیده می‌گیرد انتظار اینکه پیش نویس بر مبنای قانون اساسی که با

سازمان‌های صنفی و تشکلهای واقعی کارگران و منحل کردن شوراهای کارخانجات، زندان، شکنجه و اعدام فعالین سندیکائی و نمایندگان واقعی کارگران و در مقابل تعزیت و گسترش و پشتیبانی از اتحادیه‌های کارفرمایی برای غارت و چپاول هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان، تهیه پیش نویس شرم آور و کذاشی آقای توکلی و شرکاء که این پیش نویس همراه با وزیرش با نیروی متشکل طبقه کارگر رد شد. نقش سندیکاها و تشکلهای واقعی کارگران در رد این پیش نویس با وجود پیگردها و غیر قانونی کردن آنها بسیار ارزنده بود.

دومین پیش نویس در تاریخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۳۳ بدون اینکه نمایندگان واقعی کارگران در تهیه و تدوین آن نقش داشته باشند از

به نام خدا کارگران و زحمتکشان: به مناسبت مطرح شدن پیش نویس قانون کار جا دارد نظرات خود را بطور اجمال یاد شما در میان بگذاریم:

از انقلاب پر شکوه و ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم ایران ۵ سال می‌گذرد. همه می‌دانیم که کارگران و زحمتکشان نقش قاطع در پیروزی انقلاب داشتند و چه فداکاری‌ها و جانپنازی‌ها برای تثبیت دست آوردهای آن کردند در صورتیکه ثمرات ایثارگری‌ها و دسترنج آنها را بزرگ سرمایه‌داران، دلان و محتکرین تصاحب می‌کنند. دستخوش کارگران و زحمتکشان از طرف مسئولین عبارت است از: غیر قانونی کردن سندیکاها و

## گرامی و تابناک باد خاطره ۱۲ اردیبهشت، روز معلم

"معلمان متعهد تهران" در سالروز گرامی‌داشت خاطره ۱۲ اردیبهشت - روز معلم - اعلامیه‌ای در سطح تهران انتشار داده‌اند که در آن ضمن تاکید بر نقش معلمان سراسر ایران در پراندازی رژیم سرسپرده پهلوی، خواست‌ها و نیازهای برحق خود را نیز مطرح کرده‌اند. "راه توده" بنا به مشی همیشگی خود در انتشار نظرات گروه‌های مترقی، این اعلامیه را به چاپ می‌رساند.

۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ پیش از ده هزار تن از فرهنگیان تهران با حمایت از فرهنگیان سراسر کشور چون سیلی خروشان پراه افتادند و در میدان بهارستان اجتماع کرده و خواستار احقاق حقوق قانونی و به حق شان شده بودند. فرهنگیان و معلمان انقلابی در آن روز-غریب ناشی از بی‌عدالتی رژیم را رستار کرده و خشم و غضب خود را علیه تبهکاری‌ها و سیاهکاری‌های رژیم ضد مردمی و ساواکی پهلوی سر دادند و در

حالیکه معلم شهید خانعلی، قطعنامه تدوین شده از سوی جامعه فرهنگیان را قرائت می‌نمود، پضرب کلوله مزدوران رژیم معدوم پهلوی در خون خود غلطید و معلمان دیگر نیز به خاک و خون کشیده شدند. اما فرش خشم معلمان با عطر خون فضای خونریز میدان در هم آمیخته، سنگفرش گلگونه میدان به شلی از خون مبدل‌شد، و رعشه بجان عمال ددمش شاه آمریکائی انداخت، و آن روز تاریخی به روز معلم نامگذاری گردید. ما معلمان،

قانون کار باید به دست توانای نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان تهیه و تدوین گردد

# در هفته ای که گذشت:

## باز هم تقویت هر چه بیشتر شورای نگهبان کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران

مرحله دوم انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی، هفته گذشته برگزار شد. در این مرحله راست گرایان و مرتجع ترین جناح حاکمیت، یعنی جامعه مدرسین حوزه علمیه، حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز تهران و سران بازار که در مرحله قبل انتخابات با وجود تقلبات گسترده، با واکنش منفی توده ها روبرو شده بودند و به شکست رسوایی آمیزی دچار آمده بودند، با تمام امکانات شورای نگهبان بزرگ زمین داران و کلان سرمایه داران و ارگان اجرایی انتخابات، یعنی وزارت کشور به میدان آمدند و این بار نیز از حمایت همه سویه بالاترین مقام جمهوری اسلامی برخوردار شدند.

طبق اخبار رسیده، شورای نگهبان به دنبال ابطال انتخابات شهرهایی که نمایندگان حزب جمهوری اسلامی در آنجا به مجلس راه نیافته بودند، با اعتراض جناح دیگر حاکمیت روبرو شده و در شهرهای مختلف اعلامیه هایی علیه آن صادر شده است. دامنه اعمال نفوذ شورای نگهبان به حدی گسترده است که امامی کاشانی، رئیس هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان طی مصاحبه ای در صدد انکار "شایعه" حمایت شورا از "جمعیت خاصی" برآمد و گفت:

"شورای نگهبان نظر خاصی به حزب و یا گروهی ندارد و صرفا آزادی و سلامت (۱) انتخابات، مورد نظر شورا است و این اقترا و تهمتی بیش نیست."

بالاترین مقام رهبری جمهوری اسلامی، به علت گستردگی اعتراضات علیه شورای نگهبان، بار دیگر ناچار شد شخصا به میدان آید و از آنان دفاع کند. او معترضین را تهدید کرده در صورت ادامه اعتراضات و عدم رعایت "حرمت" شورای نگهبان منتخب وی، تنبیه خواهند شد. آیت الله صافی دبیر شورای نگهبان و داماد آیت الله گلپایگانی نیز متقابلا با انتشار اطلاعیه ای، مراتب تشکر شورا را از این پشتیبانی اعلام کرد.

اگر چه هنوز نتیجه کلی انتخابات اعلام نشده است، اما اخبار رسیده و آمارهایی که تا کنون از سوی حاکمیت جمهوری اسلامی منتشر شده، نشان می دهند که به رغم ترفندهای سردمداران رژیم، پاسخ منفی توده های مردم به کاندیداهای مجموعه حاکمیت، به مراتب چشمگیرتر از مرحله نخست انتخابات است. ما در این باره باز هم صحبت خواهیم کرد.

## گسترش اعتراضات در دانشگاهها

هفته گذشته اعلام شد:

"آیین نامه انضباطی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که از سوی ستاد انقلاب فرهنگی تصویب شده است، به زودی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ابلاغ خواهد شد". طبق این آیین نامه، کمیته انضباطی هر دانشگاه به "تخلقات اداری و آموزشی و تخلفات اخلاقی و سیاسی" دانشجویان رسیدگی خواهد کرد.

با تشکیل "کمیته انضباطی"، نهاد دیگری به نهادهای تفتیش عقاید جمهوری اسلامی در دانشگاهها چون "کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی"، "واحد گزینش دانشگاه" و ... اضافه می شود.

رژیم جمهوری اسلامی هنگام بازگشایی دانشگاهها پس از تعطیلی سه ساله آن، با اعمال شیوه های "گزینش"، نه تنها هزاران دانشجوی قدیمی آزادی خواه و دگراندیش را از دانشگاه اخراج کرد و هزاران دانشجوی دیگر را که تنها به آنها "مشکوک" بود، برای سالهای متفاوت از راهیابی به دانشگاهها محروم ساخت، نه تنها پذیرش دانشجویان جدید را با تفتیش عقاید قرون وسطایی توأم کرد، بلکه توسط ارگانهای گوناگون تفتیش عقاید خود در دانشگاهها، به ایجاد جو خفقان و محیط پلیسی جاسوسی پرداخت.

اما به رغم سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در محیط های آموزشی، براساس اخبار رسیده از دانشگاههای ایران، نوشته های زیر سانسور مطبوعات مجاز کشور و سخنان مسئول جمهوری اسلامی این واقعیت به دست می آید که دانشجویان با وجود جو پلیسی-جاسوسی حاکم بر آموزشگاه های عالی، در برابر سیاستهای ارتجاعی، ضد علمی و ضد فرهنگی حاکمیت جمهوری اسلامی در دانشگاهها مقاومت می کنند و برای تحقق خواسته های صنفی-سیاسی خود به حرکات اعتراضی دست می زنند. اعتصاب اسفندماه ۱۳۶۲ در دانشگاه تبریز یکی از این نمونه هاست.

دانشجویان دانشگاه تبریز، در اسفندماه سال گذشته، جهت تحقق خواسته های خود به طور متحد دست به اعتصاب زدند. دانشجویان قصد داشتند در شهر راه پیمایی کنند. این امر منجر به درگیری سپاه با دانشجویان شد که طی آن ده ها دانشجو بازداشت و یک نفر از آنان به شدت زخمی و یا احتمالا کشته شده است.

از سوی دیگر سخنان خامنه ای و هاشمی رفسنجانی در دیدار با اعضای "شاخه دانشجویی حزب جمهوری اسلامی"، بیانگر گسترش روزافزون مقاومت دانشجویان میهن دوست و

انقلابی علیه سیاستهای ضد مردمی و اختناق آمیز حاکمیت جمهوری اسلامی است. خامنه ای در این دیدار گفت:

"گروهکها در دانشگاهها دست اندرکارند که این محیط با صفا را از بین ببرند. آنچه که می تواند جلوی این توطئه را بگیرد، حرکت صحیح دانشجویان و عناصر انجمن های اسلامی است" (جمهوری اسلامی-۱۲ اردیبهشت ۶۲).

همچنین هاشمی رفسنجانی هشدار داد: "موشیار باشید که ضد انقلاب و عوامل خائن دشمن باز نگرند... دانشجویان باید مواظب باشند نظم و قانون حاکم بر دانشگاهها را بهم نزنند... مواظب باشد که مبدا افرادی به صورت دانشجویان انقلابی مسلمان سعی کنند چهره نشان داده و بخوانند محیط تحصیل را تضعیف کنند" (همانجا).

ناگفته پیداست منظور روسای قوه مجریه و قانونگزاری رژیم از "گروهکها" و "ضد انقلاب" و عوامل خائن دشمن و ... تنها دانشجویان دگراندیش، آزادی خواه و وطن دوست میهن ماست و "نظم و قانون حاکم بر دانشگاهها" که مورد ستایش آقای رفسنجانی است، به جز محیط خفقان زده و پلیسی حاکم بر دانشگاهها معنای دیگری ندارد.

این نمونه، در کناره ها نمونه دیگر نشان می دهد که مقاومت در برابر سیاستهای ارتجاعی حاکمیت خائن جمهوری اسلامی در دانشگاهها در حال گسترش است. از این روست که مسئولین رژیم وحشت زده شده و ناگزیر واکنش های مذبحخانه ای از خود نشان می دهند.

## گسترش کشتار خلق کرد و تبلیغات دروغین حکام رژیم

کشتار و سرکوب خلق کرد، توسط حکام جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. قرارگاه حمزه، مرکز عملیات مشترک سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در هفته گذشته اعلام کرد عملیاتی در محور مثلثی سقز-پانه-سردشت به منظور "آزادسازی" منطقه انجام گرفته که طی آن دوازده روستا "پاکسازی" شده و پنجاه تن از هموطنان کرد ما کشته و تعداد بیشتری نیز زخمی شده اند. همچنین اعلام شد در یورش نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به روستای جومان از توابع نقدة، دوازده تن کشته و تعداد زیادی زخمی شده اند.

قرارگاه حمزه طی اطلاعیه دیگری اعلام کرد: در منطقه مرزی "سرشیو" سقز نیروهای نظامی جمهوری اسلامی از هفت محور به روستاهای اسوقلو، دره آبی، عقل آباد، کندسور، تموت، قرچه، باغلوچه، کروبان، پیر عمران، قلقله، حمزه قرینینی و میکو پادمجان حمله کرده اند که طی آن تعداد زیادی از هموطنان کرد ما کشته و زخمی و ۲۵ نفر نیز به اسارت نیروهای نظامی درآمده اند.

هم زمان با این لشکرکشی و کشتار خلق کرد،

# درفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در دیدار با مسئولین عملیاتی و اطلاعاتی قرارگاه حمزه از ادعاهای دروغین "کردخواهی" و "رسیدگی به وضع خلق مسلمان کرد" و... سخن گفتند. هاشمی رفسنجانی در دیدار با مسئولین اطلاعاتی و شورای اطلاعات قرارگاه حمزه با اعتراف ضمنی به سرکوب خلق کرد، به دروغ مدعی شد: "جمهوری اسلامی ایران هرگز نخواسته سایه وحشت را بر مردم کرد بکستراند، بلکه همواره سعی کرده است مردم نجیب و با صلابت کرد را مطمئن سازد که جمهوری اسلامی ایران با آنان همان برخوردی را دارد که با مردم تهران دارد".

چا دارد از هاشمی رفسنجانی پرسیده شود: اولاً؛ حمله به شهرها و روستاهای بی‌دفاع کردستان و کشتار و بی‌خانمانی هزاران تن از زحمتکشان کرد، به ویژه دهقانان محروم آن خطه، به جز گسترش سایه وحشت بر مردم کردستان چه معنای دیگری دارد؟

ثانیاً؛ تا کنون بر سر مردم تهران و دیگر مناطق ایران چه کلی زده‌اید که حال‌می‌خواهید آن را به سر مردم کردستان بزنید؟

هاشمی رفسنجانی همچنین در زمینه رفع محرومیت‌های خلق کرد گفت:

"جمهوری اسلامی حاضر است تمام مطالب گذشته رژیم طاغوت را نیز جبران کند".

خامنه‌ای نیز در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران مستقر در قرارگاه حمزه، سخنانی با همین مضامین ایراد کرد و از جمله گفت:

"جمهوری اسلامی بر مبنای سیاست انقلابی (۱) خود لحظه‌ای تحمل محرومیت، نارسایی، نابسامانی و تبعیض را ندارد".

اما واقعیات زندگی خلق کرد نشان می‌دهد که ادعاهای آقایان رفسنجانی و خامنه‌ای، دروغ بی‌شماره‌ای بیش نیست. پس از انقلاب نیز کردستان و مردم کرد، با فقر، محرومیت، نابسامانی، خرابی و ویرانی دست به گریبان بوده‌اند. جمهوری اسلامی نه تنها کوچک‌ترین قدمی در راه از میان بردن این مصائب و نابسامانی‌ها برنداشته، بلکه با گسترش کشتار و سرکوب خلق کرد، بر مشکلات زندگی دشوار آنان نیز

افزوده است.

# "هردم از این باغ بری می‌رسد"

فساد گسترده‌ای که سرپای دستگاه دولتی و اداری جمهوری اسلامی را فرا گرفته است، روز به روز عیان‌تر می‌شود. روزی نیست که مردم میهن مادر پاره دزدی، باندبازی و ارتش‌حاکم بر ادارات دولتی چیزی نشنوند و خود شاهد آن نباشند. گوشه‌هایی از این فساد هفته گذشته در سخنرانی‌های پیش از دستور چند تن از نمایندگان مجلس چهره نمود.

نایب‌نماینده خرمشهر شادگان طی سخنرانی خود در مجلس گفت:

"با توجه به اینکه حدود سیصد و پنجاه هزار مهاجر در استان خوزستان اسکان یافته، مسئولین بنیاد (مهاجرین جنگی) ماهیانه، به عنوان جیره نقدی از بنیاد مرکز، مبلغی حدود سی و پنج میلیون تومان دریافت می‌کنند. از یک سال پیش به این طرف جیره‌بندی را با توجه به نبود کار به مهاجرین ندهاده‌اند".

او در بیان علتی که برای توجیه این عمل از سوی مسئولین استان خوزستان عنوان می‌شود، گفت:

"عده‌ای دیگر به عنوان کسب جاه و مقامی بالاتر برای خود تنها با کفتن حفظ بیت‌المال دست به چنین عملی زده‌اند".

نایب‌نماینده خرمشهر در سخنان خود به سر نوشت سی و پنج میلیون تومانی که مسئولین "بنیاد مهاجرین جنگی" استان ماهیانه از مرکز دریافت می‌کنند (سالیانه نزدیک به نیم میلیارد تومان) اشاره‌ای نکرد، اما با شناختی که از سابقه بنیاد مرکز و شعب آن در دست است، حل این مشکل، دشوار نیست.

ماه‌ها قبل در جریان استیضاح ناطق نوری، وزیر کشور و همچنین نطق پیش از دستور تعدادی از نمایندگان روشن شد که حیف و میل ده‌ها میلیون تومانی در "بنیاد مهاجرین جنگی" به سردمداری عناصر فاسد، چون شفیق و کریمی نوری، روسای قبلی این بنیاد که از حمایت مستقیم ناطق نوری برخوردار بودند، صورت گرفته است. با توجه به این سابقه، محل واریز شدن بخش قابل توجهی از ۲۵ میلیون تومان "بیت‌المال" به جز جیب حضرات مسئولین بنیاد استان، جای دیگری نیست.

نکنه جالب‌تر اینک است که مسئولین کسب جاه این مبلغ ناچیز را (ماهانه نفری ۱۰۰ تومان - قیمت یک کیلو گوشت) از ۲۵۰ هزار جنگ زده‌ای که تمام هستی خود را در این جنگ بی‌سرانجام و سودمند برای امپریالیسم از دست داده‌اند، (با انقلابی-نمایی و تحت عنوان "حفظ بیت‌المال") دریغ می‌کنند و آن را به جیب می‌زنند، نه تنها انتظار مجازاتی را نمی‌کشند، بلکه "به کسب جاه و مقام بالاتر برای خود" نیز امیدوارند.

در هفته گذشته مرتضی الویری نماینده دماوند و فیروزکوه نیز در سخنان پیش از دستور خود به گوشه‌ای از فساد دستگاه‌های دولتی جمهوری اسلامی اشاره کرد. او در رابطه با زمین‌های واگذار شده از سوی حاکم شرع سابق مستقر در شهرداری تهران که بر اثر کثرت سوءاستفاده و پارتی‌بازی، اعتراضات گسترده مردم را سبب شد و هیأتی که برای بررسی این موضوع تشکیل شده بود گفت:

"بابت بررسی که در مورد لیست منتشر شده توسط همین هیأت بررسی و واگذاری زمین به عمل آمد، متأسفانه تخلیفات زیادی را مشاهده می‌کنیم و به طور مثال فردی را که دو باب منزل مسکونی در تهران و یک باب هم در خارج از تهران دارد جزو مشمولین دریافت زمین قلمداد شده است. و باز مشاهده می‌کنیم افرادی با یک نام فامیل حدود ۱۸ اسم در لیست روزنامه وجود دارد که توهم (۱) اینک رابطه بر ضابطه تقدم یافته در ذهن به وجود می‌آید".

او سپس از کسانی که اطلاعات بیشتری در این زمینه دارند، درخواست کرد اطلاعات خود را برای مجلس ارسال دارند تا نمایندگان دوره بعدی (۱) این مسئله را پی‌گیری کنند.

فساد دستگاه‌های دولتی جمهوری اسلامی با سخنرانی قبل از دستور و پند و نصیحت اخلاقی در خطبه‌های نماز جمعه قابل علاج نیست. این پدیده از احیاء مناسبات سرمایه‌داری وابسته، توسط حکام خائن جمهوری اسلامی ناشی می‌شود. در واقع منافع دولت از منافع باند‌های سوءاستفاده‌گر جدایی ناپذیر است و دستگاه‌های دولتی به بستر رشد سرمایه‌داری بورکراتیک تبدیل شده است.

استفاده از تجربه تمام افراد مردمی و وطن‌پرست

۹- از بین بردن کلیه قوانینی که مانع ترقی ادبیات، هنر و موسیقی میشوند، و ایجاد وضعیت مساعد برای پیشرفت ابداع هنری

۱۰- ریشه‌کن ساختن جو عدم اعتماد عمومی و محور پلیم مبتدل جاسوسی و خبرچینی معلمان و دانش‌آموزان علیه یکدیگر، در نهایت از بین بردن تز معروف "تفرقه بینداز، حکومت کن!"

"معلمان متعهد تهران"

# گرامی و تابناک باد خاطره ۱۲ اردیبهشت، روز معلم

- بقیه از صفحه ۱۱
- تفصیلات دامنه‌دارتر و مضاعف گشته است. بدین لحاظ ما معلمان خواست‌های قانونی خود را بشرح زیر اعلام می‌داریم:
- ۱- اداره تمام ارگان‌های (اداری و آموزشی) آموزش و پرورش به طریقه شورائی با انتخابات آزاد و بدون از انحصار طلبی
- ۲- شناسائی حق تشکیل سازمان‌های صنفی فرهنگیان در سراسر کشور.
- ۳- اداره تعاونی‌های فرهنگیان توسط خود آنها با انتخابات آزاد و خارج از هر نوع انحصار طلبی
- ۴- افزایش حقوق فرهنگیان مطابق با افزایش قیمت مایحتاج عمومی.
- ۵- تامین مسکن ارزان قیمت برای فرهنگیان فاقد مسکن
- ۶- پایان دادن به تفتیش عقاید و عدم اخراج دگراندیشان و لغو تمام احکام معلمان اخراجی که وابسته به رژیم شاه نبوده‌اند
- ۷- توجه ویژه به رشد فرهنگ مناطق عقب نگاه داشته شده کشور
- ۸- محور کامل آثار بیسوادی با

# ناامنی در خلیج فارس : گامی دیگر در باقلاق جنگ توسعه طلبانه

بقیه از صفحه ۱

مطامع استراتژیک خویش، این تحولات را به صورت تصاعد پراهمیتی در جنگ توسعه طلبانه درمی آورد.

سران جمهوری اسلامی مدعی اند این اقدامات را به تلافی توطئه گسترده آمریکا، عراق و ارتجاع منطقه انجام می دهند:

"یک توطئه وسیعی است که بین عراق و حامیانش که آمریکاست، فرانسه است و ارتجاع منطقه ... که فشار می آورند بر جمهوری اسلامی از طریق جلوگیری از صدور نفت ایران ایجاد مشکلات اقتصادی برای ما" (هاشمی رفسنجانی - رادیو ایران - ۱۲۶ اردیبهشت ۶۳).

و مانند همیشه از رودرویی با این واقعیت طفره می روند که به فرض صحت ادعای آنان، چنین واکنش غیرمسئولانه ای، جز در خدمت برآوردن خواست های توطئه گران قرار نمی گیرد، تا آنجا که مشکل می توان چنین اقدامی را تلافی توطئه تلقی کرد، و نه اقدامی آگاهانه برای گسترش آن!

از زمانی که در تابستان سال ۶۱ سران جمهوری اسلامی، سرمست از شوینیس عظمت طلبانه خود، جنگ را با هدف استقرار جمهوری اسلامی در عراق ادامه دادند و گرم نگه داشتن تنور آن را به اهرمی برای چرخش به راست، سازش با امپریالیسم و سرکوب انقلابیون اصیل ایران تبدیل کردند، هرگونه تصاعدی در جنگ در عمل، زمینه ساز پیشروی هرچه بیشتر امپریالیسم آمریکا در منطقه بوده است و امکانات امپریالیسم آمریکا را برای اعمال فشار هرچه بیشتر به دو طرف درگیر در جنگ دولت های منطقه افزایش داده است.

در جریان این تحولات، مردم ایران به تجربه عینی خود صحت هشدارهای حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را دریافته اند که از

همان اوان ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق در باره عراق فاجعه آمیز آن برای انقلاب هشدار می دادند و از جمله به دلیل همین هشدارهای مسئولانه هدف یورش سبعمه ارتجاع قرار گرفتند.

اینک مدت ها است که احیای شتابان نظام کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، نوسازی وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی همسویی و همسانی سیاسی با امپریالیسم و سرکوب نیروهای انقلابی و ادامه فاجعه آمیز جنگ توسعه طلبانه به اجزای به هم پیوسته سیاست های ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

سران جمهوری اسلامی به بهانه اهمیت پیروزی در جنگ با عراق، سیاست معامله گری تسلیم طلبانه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را در پیش گرفته اند. آنان در پرده پرخاشگری کاذب علیه امپریالیسم، با به حراج گذاردن بازار داخلی ایران، گسترش مناسبات با ارتجاع منطقه و اعلام آمادگی برای همکاری با آنان برای "جلوگیری از خطر کمونیس"، پرداخت میلیاردها دلار خسارت به انحصارات آمریکایی، تقاضای خرید سلاح های استراتژیک امپریالیستی، سکوت در برابر استقرار ناوگان آمریکا در خلیج فارس و تجاوز نظامی ایالات متحده به حق حاکمیت ملی مردم ما و شرکت در جنگ صلیبی ارتجاع امپریالیستی علیه اردوگاه سوسیالیسم، نشان دادند که در صدد "جلب حمایت امپریالیسم آمریکا به هر قیمت" اند.

مردم ما فراموش نکرده اند که تا چند هفته پیش، سران جمهوری اسلامی در شرایطی که ایالات متحده با اعلام خودسرانه "منطقه ممنوعه" در بخش وسیعی از آب های خلیج فارس جدی ترین تهدید علیه امنیت و منافع ملی مردم ما و خلق های منطقه در دهه های اخیر را

به مرحله اجرا درآورده بود، از "واکنش مناسب آمریکا" به سود جمهوری اسلامی در کارزار تبلیغاتی پیرامون کاربرد سلاح های شیمیایی دم می زدند و از "تجدید نظر اساسی در سیاست آمریکا" به سود جمهوری اسلامی - از زبان روزنامه حزب حاکم - سخن می گفتند.

در تمام این مراحل، ایالات متحده که همچنان سیاست مزورانه پشتیبانی از دوسوی درگیری، برای دامن زدن به جنگ فرسایشی را دنبال می کند، از مواضع تسلیم طلبانه سران جمهوری اسلامی برای باج گیری فارتکرانه و تأمین مطامع استراتژیک خویش در منطقه سود برده است. سیاست گزاران آمریکایی که در برخورد با حکومت های بریده از خلق از تجربه و مهارت ویژه ای برخوردارند، سیاست "چماق و حلوا"، پشتیبانی و فشار سیاسی و نظامی، تطمیع و تهدید جمهوری اسلامی را پشتوانه باج خواهی هرچه کلان تر و تحویل هرچه بیشتر خواست های آزمندانه خود ساخته اند.

واقعیت اینست که دامنه آزمندی و زیاده خواهی دولت کنونی ایالات متحده از جمله در خلیج فارس آنچنان وسیع است که حتی متحدان سنتی آمریکا در خلیج فارس به آسانی قادر به تحمل آن نیستند. شاهد این مدعا زدی پیش نهاد ایالات متحده مبنی بر استقرار نیروهای آمریکایی در سواحل جنوبی خلیج فارس به بهانه تأمین امنیت کشتی رانی بین المللی در منطقه، از سوی شورای همکاری کشورهای عربی در خلیج فارس است.

در چنین شرایطی بروز اختلاف در روند بندوبست سران جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا، پدیده غیرمنتظره ای نیست. در شرایطی که شدت کم سابقه توسعه طلبی ایالات متحده، واکنش منفی دست نشانندگان آمریکا را به

دنبال می آورد، برای سران جمهوری اسلامی که نه تناسب قوای کنونی در حاکمیت و نه روحیه ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی توده ها به آنان اجازه نمی دهد که معیارهای متعارف خویش در معامله گری تسلیم طلبانه با ایالات متحده را زیر پا بگذارند، ناسازگاری هایی از این دست که در درگیری های اخیر با زیاده خواهی آمریکا در دعای مطروحه در دیوان لاهه و پشتیبانی تلویحی آمریکا از محدودیت صادرات نفت ایران به وسیله حملات عراق به نفت کش های بارگیری کرده از جزیره خارک بروز کرده است، دور از انتظار نیست.

برای ارزیابی اهمیت واقعی این ناسازگاری ها باید توجه داشت که روند نوسازی وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی و همسانی و همسویی سیاست های جمهوری اسلامی با خطوط اساسی سیاست امپریالیسم آمریکا که با هرگونه مبارزه جدی ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی منافات دارد، علی رغم همه پرخاشگری های کنونی همچنان گسترش می یابد. علی رغم تیزگی روابط، سران جمهوری اسلامی همچنان تأکید دارند که برخورد جدی با توسعه طلبی ایالات متحده تنها در صورت دیوانگی آمریکا (هاشمی رفسنجانی - همانجا) محتمل است:

"ما فکر نمی کنیم آمریکایی ها و دیگر قدرت های بزرگ به صلاح خودشان بدانند که خود را با کشور انقلابی و مقاوم ایران درگیر کنند" (خامنه ای - اطلاعات - ۱۱ اردیبهشت ۶۳).

آنان حتی اعتراض به حضور نظامی امپریالیسم آمریکا را با پشتیبانی ناوگان آمریکا و آواکس های عربستان سعودی از عملیات نظامی پیوند می دهند و به این طریق نشان می دهند که اگر بقیه در صفحه ۱۶

## به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

## اعتصاب معدنچیان بریتانیا در اعتراض به سیاست‌های بیکاری فراپی دولت محافظه کار تاجر



اعتصاب‌اند.

دولت خاتم تاجر در مقابل معدنچیان آگاه که با ارائه آمار و ارقام دقیق از تولید و فروش و غیره، ضمن اثبات دروغ بودن ادعاهای دولت مبنی بر باصرفه نبودن معادن به افشای نیت واقعی سرمایه‌داری انگلستان از این اقدامات می‌پردازند، بیش از بیست هزار پلیس ویژه را بسیج کرده و به مقابله با آنان گسیل داشته است. حضور وسیع پلیس در محل برپایی اعتراضات در مقابل معادن در اکثر موارد از دو برابر تعداد معدنچیان حاضر نیز بیشتر است.

اما اقدامات تضييق آمیز دولت به خشونت پلیس ختم نمی‌شود و به موازات آن به انواع حیل‌ها جهت دلسر کردن معدنچیان از ادامه اعتصاب متوسل می‌شود؛ از جمله ایجاد جو تفرقه و رودرویی در بین معدنچیان از طریق به کارگیری عناصر دست راستی و سازشکار در هیات اجرایی اتحادیه و در برخی شعب آن، ایراد فشار بر خانواده معدنچیان اعتصابی از طریق قطع مستمری تأمین اجتماعی و شیر روزانه فرزندان آنها.

از آنجایی که لبه تیز این اعتصابات متوجه سیاست‌های عمومی‌ترین جناح سرمایه‌داری انحصاری است و از این جهت آن را از یک مبارزه صرف‌صافی خارج ساخته و بدان خصلت سیاسی داده است، پیروزی معدنچیان در این مبارزه، نه تنها برای خود معدنچیان، بلکه برای کل جنبش کارگری انگلستان فوق‌العاده مهم است.

از بدو روی کار آمدن دولت محافظه کاران، سرمایه‌داری انحصاری امپریالیستی انگلستان که هارترین نمایندگان خود را در رأس قدرت دولتی یافته بود، بر تلاش خود جهت پرورش به تمامی دست‌آوردهای چندین ساله جنبش کارگری این کشور از یک سو و گسترش دامنه تسلط خود بر صنایع و موسسات بزرگ دولتی از سوی دیگر افزود.

صنایع ملی زغال سنگ، بالاخص هدف عمده و مهم سرمایه‌داری انگلستان و نمایندگان هار آنها، دولت تاجر است و در اجرای این اهداف ضدملی و ضدکارگری است که بعد از مدت‌ها پیچ‌پیچ و صحبت‌های غیر مستقیم، بالاخره در اول ماه مارس سال جاری، هیات مدیره صنایع ملی زغال سنگ انگلستان اعلام کرد و نظر دارد طی ۵ هفته، چندین معدن را که دربرگیرنده نزدیک به بیست هزار معدنچی است تعطیل کند. اتحادیه ملی معدنچیان که یکی از پرعضوترین و معتبرترین تشکلهای صنفی کارگری بریتانیاست و بیش از دوینست هزار نفر را در صفوف خود متشکل کرده است، آگاه از اهداف واقعی دولت محافظه کاران با اعلام اعتصاب در معادنی که خطر تعطیل شدن، آنها را تهدید می‌کند به این تلاش دولت پاسخ داد. این اعتصابات، به زودی به معادن دیگر نیز گسترش یافت و هم‌اکنون بیش از یک صدوسی معدن از کل ۱۷۶ معدن بریتانیا که دربرگیرنده بیش از یک صد و بیست هزار معدنچی است ده هفته است که در

## حزب راب‌ه صلا‌ه کشیده اند تا انقلاب را متلاشی سازند

بقیه از صفحه ۹

دشمنان طبقه کارگر ایران نخستین بار نیست که در مبارزه علیه حزب توده ایران به دروغ و خشونت شدید توسل می‌جویند. کمونیست‌های ایران بیش از ۲۰ هزار سال را پشت میله‌های زندان گذرانده‌اند. حزب توده ایران برای اینکه روزی سپیده دم آزادی در این کشور بدمد هزاران تن از بهترین اعضای خود را فدا کرده است.

ضدانقلابیون، حزب ما را زائده "نامتجاسی" می‌نامند که "به‌طور تصنی در زمینه بیگانگی کشت شده است"، می‌گویند ایدئولوژی آن به‌دردی ایرانی‌ها نمی‌خورد و برای آنان بیگانه است. ولی تاروپود وجود حزب توده ایران از مردم و طبقه کارگر ایران است. حزب توده ایران در مواضع مستحکم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری استوار و پی‌گیر است. ما برای علاقی همبستگی که ما را با تمام احزاب برادر و از جمله حزب پراختار لنین پیوند می‌دهد ارج والایی قائلیم.

ضربه عهدشکنانه علیه حزب توده ایران، زیان جدی بدان وارد آورده است. بسیاری از رفقای ما زیر شکنجه به هلاکت رسیده‌اند و یا تیرباران شده‌اند، هزاران نفر هنوز در سلول‌های زندان یا عذاب‌های گوناگون دست‌بگریبانند. ولی هر وضعی که پیش آید، حزب ما همیشه پرچم مبارزه در راه آزادی کامل، دموکراسی و ترقی اجتماعی را برافراشته خواهد داشت. حزب ما حداکثر کوشش خود را برای متحد ساختن تمام نیروهای مترقی و دمکراتیک کشور در جبهه متحد خلق به کار خواهد گرفت. چنین جبهه‌ای عملاً انقلاب را به پیروزی رساند، همین جبهه است که رسالت دارد آن را از شکست کامل نجات بخشد.

از شماره سوم سال ۱۳۶۳

مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"  
"مسائل بین‌المللی" شماره ۱ - سال ۱۳۶۳

(۱) - "راه توده"، دوم دی‌ماه

۱۳۶۳

(۲) - "راه توده"، دوم دی‌ماه

۱۳۶۳

تلویزیون به نمایش گذاشته شد که آثار شکنجه از سرو روی آنها می‌بارید، ولی برای کسانی که به اخلاق و عادات گردانندگان این صحنه‌ها به حد کافی وبه خوبی واقفند، آنچه نشان داده شد فقط یک نمایش مسخره فیرانسانی و وحشیانه بود. همان وقت هم در سلول‌ها و فراموش‌خانه‌های زندان‌های تهران یک‌سری بیدادگاه تشکیل شد که آنها را "دادگاه اسلامی" نامیدند. این محاکمات در شرایط اختفای کامل انجام می‌گیرد و حتی خبرنگاران وسایل ارتباط جمعی را که از طرف مقامات دولتی کنترل می‌شود، به آنها راه ندادند. متهمین حق ندارند برای خود وکیل مدافع تعیین کنند؛ مقامات دولتی بدون احساس عذاب وجدان اظهار می‌کنند "کفار" حق دفاع ندارند. لاجوردی دادستان به اصطلاح دادگاه‌های انقلابی تهران آشکارا اعلام کرد که برای "بیشرفت اسلام" در ایران، گویا حداقل یک میلیون نفر را می‌توان نابود ساخت. آیا فرق میان این منادیان

"ایده‌آل‌های الهی" که همه دگراندیشان را به نام "کمونیست" محاکمه و مجازات می‌کنند، افراد را بدون محاکمه به جوخه‌های اعدام می‌سیارند و یا زیر شکنجه به هلاکت می‌رسانند با عاملین تفتیش عقاید قرون وسطی در چیست؟! نه فقط مردم ایران، بلکه تمام جهانیان باید بدانند زیر پوشش "دفاع از اندیشه‌های مقدس و ابدی" چه جنایاتی انجام می‌گیرد. اخبار جزئی ولی موثقی که از پس دیوارهای زندان به خارج راه پیدا می‌کند جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد که در آنجا چنان جنایات مدعی انجام می‌گیرد که وقتی تمام حقایق مربوط به آن فاش گردد دنیا به خود خواهد لرزید.

اعضای حزب ما را نه به علت گناهانی بزرگ، بلکه به خاطر افکار و عقایدشان و به سبب سیاست ضدامپریالیستی دمکراتیک روشن حزب توده ایران زجر و شکنجه می‌دهند و تیرباران می‌کنند. حزب را به صلابه کشیده‌اند تا انقلاب را متلاشی سازند.



### حزب کمونیست ترکیه درباره مسائل روز

رفیق حیدر کوتلو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، طی مصاحبه‌ای با روزنامه "نپ سابات شاک"، ارکان کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حفظ صلح را مهم‌ترین وظیفه همه انقلابیون اعلام کرد. او گفت: حزب کمونیست ترکیه مخالف استقرار موشک‌های آمریکایی در اروپای غربی است و این کار را تهدیدی جدی برای امر صلح به شمار می‌آورد. در ترکیه هم خطر استقرار این موشک‌ها وجود دارد.

رفیق کوتلو پیرامون اوضاع قبرس گفت: تشکیل دولت جداگانه ترک در شمال قبرس، بخشی از عیاست عمومی دولت نظامی ترکیه را تشکیل می‌دهد این عمل در چارچوب سیاست عمومی امپریالیسم آمریکا در خاور نزدیک تحقق یافته است. این ضربه‌ایست علیه یگانگی و استقلال قبرس که حل مشکل این کشور را بازم دشوارتر می‌سازد. به عقیده حزب کمونیست ترکیه، مسئله قبرس باید زیر چتر سازمان ملل متحد و با در نظر گرفتن منافع ساکنان یونانی و ترک آن کشور حل شود.

### نخستین کنگره حزب سوسیالیست "پانک" در آتن

پانک - حزب حاکم یونان، به رهبری آندریاس پاپاندرو، نخست وزیر این کشور، کنگره خود را که در آن بیش از ۱۴۰۰ نماینده و ۶۰ میهمان خارجی از جمله نمایندگان اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی حضور داشتند در

آتن به پایان رسانید. در آغاز کار کنگره، آندریاس پاپاندرو، رئیس پانک و نخست وزیر یونان، نطق سیاسی مهمی ایراد کرد. او گفت: امروزه دفاع از صلح مهم‌ترین وظیفه است. زیرا این بار اصل وجود جامعه بشری مورد تهدید قرار گرفته است. آندریاس پاپاندرو پیرامون موضع محتاطانه یونان در جلسات گروه برنامه ریزی هسته‌ای ناتو گفت: یونان مخالف افزایش ذخایر اتمی ناتو است. هدف استراتژیکی پانک، محو پایگاه‌های نظامی خارجی در خاک یونان است. او گفت: دولت پانک حداکثر کوشش را برای حل مشکلات اقتصادی کشور و بالا بردن سطح زندگی زحمتکشان انجام خواهد داد.

در پایان کنگره، آندریاس پاپاندرو، به اتفاق آراء مجدداً به عنوان رئیس پانک برگزیده شد. کنگره حزب، سیاست حزب را از هنگام تأسیس تا کنون مورد تأیید قرار داد و توصیه‌های تازه‌ای را برای انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و تحکیم استقلال و مبارزه برای کاهش وخامت اوضاع بین‌المللی تصویب کرد.

### موفقیت‌های درخشان ارتش خلقی نیکاراگوئه

طی چند هفته گذشته در ایالات شمالی نیکاراگوئه، بیش از ۱۴۰ تن از ضدانقلابیونی که از خاک هندوراس به این کشور نفوذ کرده بودند، سرکوب شدند. به طوری که فرمانده نظامی منطقه اعلام کرده، ۲۵۳ سرباز مزدور کشته شده‌اند. قبلاً سربازان ارتش نیکاراگوئه، راه بازگشت راهزنان به هندوراس را قطع کرده بودند.

در هفته گذشته، سربازان نیکاراگوئه موفق شدند یکی از دو هلیکوپتر هندوراس را که ۲۵ کیلومتر وارد مرز هوایی کشور شده بودند، سرنگون سازند.

طی دو ماه گذشته نیروهای مسلح نیکاراگوئه مجموعاً ۶۰۰ ضدانقلابی را نابود و یا دستگیر

کرده‌اند. اینان از هندوراس و کستاریکا وارد نیکاراگوئه شده بودند.

### تشدید سانسور در پاکستان

رژیم نظامی پاکستان، چاپ اعلامیه‌های سیاسی و خبرهایی که مربوط به گروه‌های سیاسی است در مطبوعات این کشور ممنوع اعلام کرده است. روزنامه "تایمس اف ایندیا" که این خبر را منتشر کرده، می‌افزاید: تداوم تازه به معنی تشدید باز هم بیشتر سانسور است که بیشتر توسط حکام نظامی بر مطبوعات اعمال می‌شد. تصمیم جدید بدین منظور اتخاذ شده که از انتشار قطعنامه‌های "جنش برقرار کردن دمکراسی" که وسیع‌ترین سازمان سیاسی مخالف رژیم نظامی پاکستان است، جلوگیری کند.

### فلسطین

اجلاس رهبران سازمان‌های مبارز خلق فلسطین، نمایندگان جنبش الفتح، جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جنبه خلق آزادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین در الجزیره برگزار شد.

در این دیدار مسائل و دشواری‌های موجود در سازمان آزادی‌بخش فلسطین و همچنین تدارک مقدمات اجلاس آینده شورای ملی فلسطین مورد بحث قرار گرفت. از سوی دیگر سربازان اسرائیلی ساکنین یک اردوگاه فلسطینی در شهر صیدا را به کلوله بسته و تعداد زیادی از آوارگان فلسطینی را کشته و زخمی کردند.

**کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در نورمن (آمریکا) هزینه جاب این شماره "راه توده" را تأمین گردانید**

نورنبرگ ۴۰ مارک

**RAHE TUDEH**  
No. 92  
Monday, 21 May 84  
Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

### ناامنی در خلیج فارس: گامی دیگر در باقلاق

بقیه از صفحه ۱۴

بن بست جنگ را نیز مسدودتر می‌کند. مدتهاست که ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق به فاجعه‌ای ملی برای مردم ما و باقلاقی سهمگین برای حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شده است. باقلاقی که حاکمیت جمهوری اسلامی را با هر گام پیشروی در آن، بیشتر به کام خود می‌کشد. سران جمهوری اسلامی همچنان می‌خواهند عواقب مصیبت‌بار ماجراجویی توسعه طلبانه خود را که تنها بیانگر منافع تنگ‌نظرانه جنگ‌افروزان است به مردم زحمتکش ما تحمیل کنند. پاسخ مردم ما به این تشبثات دیربست که روشن شده است: به این جنگ خانمانسوز باید پایان داد. ما صلح می‌خواهیم.

ناوگان آمریکا مستقیماً بر علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته نشده، با نفس اشغال نظامی خلیج فارس از سوی تجاوزگران آمریکایی مخالفتی ندارند. سران جمهوری اسلامی همه راه‌های بازگشت به دوران معاملات "مشروع" با امپریالیسم آمریکا را باز گذارده‌اند. در این چهارچوب، اقدام ماجراجویانه و غیرمسئولانه به ایجاد ناامنی در خلیج فارس را نه چنانکه ادعا می‌شود مقابله تلافی جویانه با توطئه امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه، بلکه تنها تلاشی نومیدانه برای شکستن بن بست نظامی جنگ توسعه طلبانه می‌توان ارزیابی کرد. تلاشی که مانند همیشه، تنها به سود "شیطان بزرگ" تمام می‌شود و